



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
شنبه ۷ آذر ۱۴۰۳ • ۵ جمادی الثانی ۱۴۴۶ • 7 December 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و هشتاد و یک
www.asrghanoon.ir

جراحی کشور در تاریکی

معاون اجرایی رئیس جمهور: در جلسه دولت فقط زمان فیلمبرداری اجازه می‌دهیم همه لامپ‌ها روشن باشد

معاون اجرایی رئیس جمهور: در جلسه دولت فقط زمان فیلمبرداری همه لامپ‌ها روشن است لباس گرم می‌پوشیم، اتاق‌ها سرده، لامپ‌ها رو خاموش می‌کنیم. وقتی رئیس جمهور به منزل ما آمد بلافاصله گفت چند تا چراغ روشن است گفتیم فقط یکی.

این نوع صحبت‌ها، نه تنها هیچ راه حل مشخصی را مطرح نمی‌کنند، بلکه موجب بروز انتظارات توری و نگرانی‌های عمومی می‌شوند. در حالی که مردم منتظر ارائه راه حل دولت برای رفع ناآرامی‌ها و جراحی در اقتصاد کشوری باشند.

جمهوری اسلامی و قبض و بسط پراگماتیک شریعت



در این میان دشواری جمهوری اسلامی دوچندان شده چرا که هم مسئولیت اجرای احکام شرع را بر عهده دارد و هم اداره امور عمومی که ساختار دولت مدرن از آغاز برای تأمین این اهداف خود را محتاج تکیه بر دین نمی‌دانسته است.

۳

آفاق دانایی در سپهر تمدن اسلامی



جعفریان در دهه هشتاد و نود و با تمرکز که بر روی بحث علم و مفهوم آن پیدا کرد، افکارش دچار دگرگونی شد و به عنوان یک محقق تاریخ اندیشه، آسیب‌شناسی مفهوم علم در تمدن اسلامی و همچنین وضعیت علم در دوران معاصر را در دستور کار خود قرار داد.

۴

دولت فرانسه چرا و چگونه سقوط کرد



مکرون گزینه نخست‌وزیری را از ائتلافی که اکثریت نسبی به دست آورده بود، انتخاب نکرد، بلکه نخست‌وزیر از ائتلاف حامی خودش که در آن ترکیبی از چپ میانه و راست میانه، با غلبه راست میانه، حضور دارد، انتخاب کرد.

۴

تراز صنعت بیمه در ایران منفی است



در حال حاضر به دلیل مشکلات اقتصادی مردم کشورمان، امکان افزایش حق بیمه وجود ندارد و این در حالی است که هزینه‌های اداری و پرسنلی و کارمزد شرکت‌های بیمه افزایش یافته است.

۵

به مردم آدرس غلط ندهید



در نظر گرفتن قدرت مردم و معیشت آن‌ها قبل از هر تصمیمی است چون سرمایه ما در مسیر انقلاب اسلامی، مردم هستند و بدون آن‌ها به اهداف دست پیدا نمی‌کنیم

۵

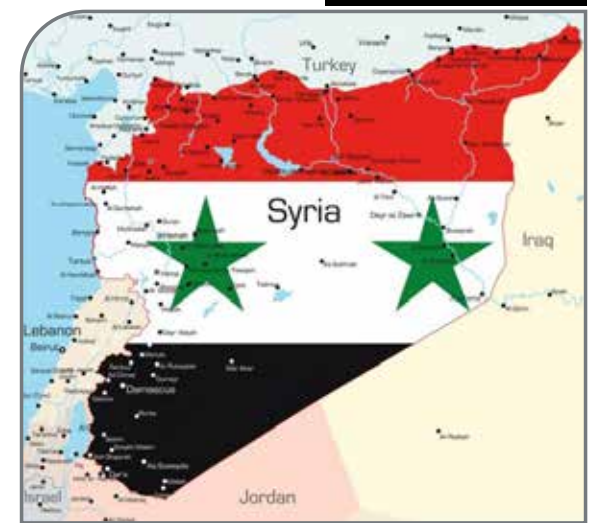
درباره مظلومیت قانون حجاب



طرف مخالف است اما خودش هم نمی‌داند چرا و چگونه مخالف است. حجابی که مطالبه اکثریت جامعه است امروز در ماریجسکوت شبکه‌های اجتماعی گرفتار افعال رسانه‌ها و خواص و حتی مسئولین و مراکز علمی و دینی شده است.

۷





نقش همپیمانان چیست؟

مطابق طراحی صورت گرفته، برنامه‌های تدوین شده است. در مرحله اول، مرزهای عراق و سوریه بسته شده تا ارتباط دو طرفه تروریست‌ها قطع گردد. سپس نیروهای سوری به خطوط تزییق شده و با تشکیل خط دفاعی، پیشروی تروریست‌ها را کند و سپس متوقف کنند. در مرحله سوم حملات سنگین و پر حجم هوایی سوری - روسی آغاز گردیده تا توان دشمن تحلیل رود. در مرحله آخر با رسیدن نیروهای مقاومت و طراحی عملیات، ضد حملات بزرگ تا مرز ترکیه آغاز شود.

اکنون همه مراحل فوق در حال اجرا است اما سختی‌هایی وجود دارد.

۱. هر چند مرز مسدود شده اما نیروهای عراقی به تعداد کافی نرسیده‌اند، هم سطح سیاسی در بغداد مانع است و هم برخی گروه‌های مقاومت معتقدند باید در عراق ماند و مانع از حملات رژیم، شورش داخلی تروریست‌ها و یا ورود آنها از سوریه به عراق شد.

۲. رسیدن نیروها و سازماندهی آنها و ایجاد طرح‌های عملیاتی، زمان بر است و این مستلزم مقاومت سوری‌ها است. سعی شد از ظرفیت قسد استفاده شود که ناموفق بود.

۳. با توجه به احتمال شعله‌ور شدن جنوب، شرق و شمال، لزوم باقی ماندن نیروها و یا تزییق نیروهای جدید برای پیشگیری از باز شدن جبهات جدید الزامی است.

۴. نقش روس‌ها مهم است. تعداد هواپیماها در حمیمیم کم است و روس که خود در اوکراین درگیری زیادی دارد، امکان حضور گسترده ندارد اما باز هم حضور دارد و تجهیزاتی به سمت حمص و دمشق ارسال کرده است. اینبار مهم‌تر از پشتیبانی هوایی روس از نیروهای زمینی، بستن آسمان سوریه به روی هواگردهای ترکی، آمریکایی، اسرائیلی است که مستلزم ریسک کرملین است.

این وضعیت روس، باعث شده تا دمشق درخواست رسمی ارسال تجهیزات نظامی به تهران دهد. جمهوری اسلامی ایران حداکثر از ۵ شب پیش به دنبال ارسال تجهیزات است، حتی تجهیزاتی که روس امکان ارسال ندارد مانند بمب‌های هوشمند و نقطه زن یاسین. ما به دنبال اعزام نیرو هم هستیم و اگر لازم باشد در صورت تشدید بحران، اعزام به سبک سال ۹۴ بزودی اجرا می شود اما معضل اصلی وجود دارد: بسته بودن راه‌ها. از مسیر هوایی، دشمن صهیونی حضور فعال دارد و اجازه فرود به هواپیماهای ما نمی‌دهد.

در سطح زمینی نیز آمریکا و باز هم اسرائیل علناً حضور داشته و با وقاحت به دنبال زدن کاروان‌های مقاومت هستند. البته برای جمهوری اسلامی که در میانه طوفان الاقصی، دست رزمندگان غزه را خالی نگذاشته، ارسال به سوریه کاملاً ممکن اما پیچیده و زمان بر است. زمان، کلید اصلی است.

۵. یکی از مشکلات سوریه از سال ۱۴۰۲، نبود فرماندهی منسجم است. انتصاب سرتیپ سهیل حسن و همچنین حضور سردار غفاری در راستای رفع این معضل است.

۶. جیش سوری نیز توانسته خطی تشکیل دهد و فعلاً به دنبال کند کردن پیشروی دشمن با ممانعت از تثبیت مواضع توسط تروریست‌هاست. به هر روی دشمن عده و عده بیشتری داشته، با روحیه بیشتری جنگیده و تاکتیک‌های جدیدی علی‌الخصوص با استفاده از کوادهای فرانسوی دارد. ارتش سوری نیز روحیه پایین تر و چالش‌های اقتصادی و ... دارد. دستور افزایش ۵۰ درصدی حقوق ارتشیان نیز در راستای رفع این معضل است. چالش‌ها زیاد است و باید تک به تک آن‌ها را رفع کرد.

دشمن مناره‌های تهران را می‌بیند، حاج قاسم باشیم!

ابوالفضل چمندی



ابوبافر از همراهان حاج قاسم نقل می‌کند: طراحی کرده بودند که در نوروز ۹۶ با هجوم سراسری به حمص و حمص کار سوریه را یکسره کنند؛ اینها با تمرکز خود در شمال حمص و هجوم سنگین چند شهر و روستا را طی چند روز گرفتند و همین‌طور به پیشروی خود ادامه می‌دادند. روز دوم عید بود که حاج قاسم با فرماندهان میدانی در سوریه تماس می‌گیرد و جواب می‌شنود اوضاع جبهه خوب نیست و «احتمال فروپاشی در بخش عمده‌ای از سوریه هست». چون دشمن تلاش داشت شهر حمص را پس از محاصره به سقوط بکشاند و با اتصال به منطقه حمص شمالی (رستن و تل بیسه) و سپس اتصال به قلمون غربی، راه حلب را به تصرف درآورد و عملاً سوریه به دو جزیره ساحل و دمشق تبدیل می‌شد. حالا روز دوم عید حاج قاسم برای دیدن پدر خود، به قنات ملک رابر کرمان رفته بود.

حاج قاسم گفت «بایم؟» ما آن موقع در سوریه بودیم؛ گفتیم «نه، با توکل بر خدا خدومان جمع می‌کنیم». اما حاجی دلش طاقت نیاورد و همان روز بلند شد آمد سوریه! حاج قاسم به حمص آمد و به بلندای جبل زین‌العابدین رفت و دوربین را دست گرفت. گفت «تک اصلی کجاست؟» جواب داده شد از دو طرف جدی می‌آیند، حاجی گفت «یک طرف تک اصلی است»، دقت کرد و گفت «تک اصلی غرب رودخانه عاصی است». گفتیم به چه دلیل می‌گویید؟ گفت «دشمن از آنجا با چشم غیر مسلح حمص را می‌بیند، تیر تیربارش از آن نقطه به اینجا می‌رسد، لذا اشتیاق دارد حمص را بگیرد، مثل زمانی که ما دیوارها و نخلستان‌های خرمشهر را می‌دیدیم و برای رسیدن به آن اشتیاق داشتیم! این را چطور تشخیص نمی‌دهید؟» به شوخی گفتیم این طوری اگر ما هم تشخیص می‌دادیم که می‌شدیم «حاج قاسم»! همه خندیدند.

حالا باید بدانیم که دشمن بعد از هجوم گسترده و نسل کشی در غزه، در یک تهاجم غافلگیرکننده با انفجار پیچرهای به بخش نیروهای میانی حزب الله لبنان آسیب جدی وارد کرد و با شهادت سید حسن نصرالله این سناریو وحشیانه خود را تکمیل کرد. با هجوم زمینی به لبنان سعی داشت حزب الله لبنان را نابود کند اما مقاومت عاشورایی نیروی های حزب الله شکست بزرگی به طرح آمریکایی - عبری آنها تحمیل کرد. طی سالیان گذشته همواره میدان نبرد، زمینهای متعلق به جبهه مقاومت بوده است اما طوفان الاقصی ابتکار عمل را به جبهه مقاومت برگرداند.

بنظر می‌رسد پس از شکست اسرائیل در حمله زمینی به لبنان، آمریکایی‌ها می‌خواهند میدان جنگ را تغییر دهند. حفظ فشار با حملات ایذایی به جنوب لبنان سبب تمرکز حزب الله به آن جغرافیا می‌شود و عملاً امکان کمک به جبهه سوریه بسیار کم‌رنگ می‌گردد. آمریکا در نظر دارد با سقوط حمص و حمص توسط تروریست‌ها به القصر برسد و از آنجا زمینی به شمال لبنان و دمشق حمله کند. در اینصورت حزب الله را قیچی میکند و توان جبهه مقاومت را برای حفظ دمشق یا کمک به لبنان تقسیم میکند و ما را مخیر به یک انتخاب مهلک می‌نماید. تلفات بالای تروریست‌ها به این دلیل هست که کارفرمای آمریکایی - عبری آنها می‌خواهد در کمترین زمان ممکن این طرح اجرا و سپس درگیری‌ها را به ایران بکشاند. بعد از تحولات اخیر، آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی و مرتجعین منطقه‌ای، مناره‌های تهران را می‌بینند و برای رسیدن به آن حاضرند هر تهاجم با تلفات بسیار بالا را برنامه ریزی و اجرایی کنند.

اینکه آمریکایی‌ها نقاب را کنار گذاشته و امروز با جنگنده‌هایشان خطوط دفاعی ارتش سوریه و انبار تسلیحات نیروهای جبهه مقاومت را هدف قرار دادند ناشی از عجله شان برای اجرای طرح مزبور می‌باشد.

مهم اینست که مثل حاج قاسم متوجه باشیم که هدف تک دشمن، فتح تهران است و اگر با طرح ابتکاری و جسورانه محاسبات دشمن را بر هم نزنیم، هزینه‌ی سنگینی پرداخت خواهیم کرد. ما باید عاشورایی عمل کنیم و همچون فتح خرمشهر، در انتظار نصرت الهی باشیم

حزب‌الله در جنگ اخیر بسیار قوی‌تر از ۲۰۰۶ ظاهر شد

تحلیلگر انگلیسی معتقد است نتایج در بحرانی چند لایه (از فشار داخلی تا ناکامی‌های جنگی) گرفتار شده و هر چند که با ترور دبیرکل حزب‌الله سرمست شد اما اسرائیل شکست‌های متعددی را تجربه کرد و حزب‌الله با مقاومت بی‌سابقه، نه تنها تضعیف نشد، بلکه حمایت عمومی بیشتری جلب کرد. دیوید هرست در تحلیلی با عنوان «نتایج دیگر کارت‌های زیادی برای بازی ندارد» که از سوی نشریه میدل ایست ای منتشر شده، نوشت: پس از اعلام خبر کشته شدن دبیر کل حزب‌الله لبنان، اسرائیلی‌ها در برخی خیابان‌های تل‌آویو و سایر شهرها، پایکوبی به راه انداختند. اما پس از گذشت دو ماه، وضعیت در اسرائیل دگرگون شد و اسرائیلی‌ها دریافتند که اهداف اعلام شده از سوی مقامات تل‌آویو به خصوص از سوی وزیر دفاع وقت در مورد خلع سلاح حزب‌الله تحقق نیافته است. یک حقیقت وجود دارد که نه تنها اسرائیلی‌ها، بلکه مقامات نظامی آمریکا نیز نمی‌توانند به سادگی آن را توجیه کنند: چگونه ممکن است حزب‌الله که به گفته بسیاری از تحلیلگران «تضعیف‌شده» است، بدون داشتن فرماندهی عملیاتی از مقر اصلی خود در ضاحیه بیروت، توانسته کنترل میدان نبرد را حفظ کند؟ حزب‌الله در این جنگ مبارزه‌ای بسیار قوی‌تر از سال ۱۹۸۲ و حتی جنگ ۲۰۰۶ از خود نشان داده است.

در حالی که در سال ۱۹۸۲، سربازان اسرائیلی تنها در پنج روز به بیروت رسیدند، در جنگ اخیر این گروه به شکل چشمگیری از خود مقاومت نشان داد. به جای ایجاد یک منطقه حائل در جنوب لبنان، ارتش اسرائیل به مدت دو ماه در مرز گرفتار شد و نتوانست به عمق لبنان نفوذ کند یا موقعیت‌های بیشتری نسبت به چهار کیلومتر در خاک لبنان حفظ کند. این شکست‌ها موجب شد تا ارتش اسرائیل مجبور به انجام عقب‌نشینی‌های مکرر شود. این در حالی بود اسرائیل با حملات برق‌آسا به شهرها و روستاهای لبنان به دنبال پیروزی بود.

تحولات شمال سوریه؛ پروژه جدید علیه محور مقاومت

فرزان شهیدی



معارض سوری حمایت می‌کرد در وضعیت فعلی نیز برای تحقق برخی اهداف وارد این معرکه شده است. از جمله این اهداف عبارت است از: اعمال فشار بر دمشق در جهت عادی سازی با این کشور بر اساس شروط خاص خود، ترتیبات امنیتی در شمال از جمله تثبیت اشغالگری و نیز مقابله با گروه‌های جدایی طلب کرد و بالاخره ادامه سیاست نقش آفرینی منطقه‌ای در چهارچوب راهبرد نوع‌نمانی.

آمریکا نیز که در خاک سوریه حضور نظامی دارد تلاش دارد با تغییر معادلات در شمال، ضمن اعمال فشار بیشتر بر نظام بشار اسد و نیز جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی اسد، رقابت خود با روسیه را در این کشور وارد مرحله جدیدی کند و احتمالاً دولت

جدید ترامپ در جریان معامله بر سر بحران اوکراین از آن بهره برداری نماید. کشورهای عربی خصوصاً در حوزه خلیج فارس نیز بعید است در این بحران فاقد نقش باشند، به ویژه آنکه از زمان بحران سوریه با گروه‌های تکفیری و تروریستی در ارتباط و در واقع حامی آنها بوده‌اند. شاید در شرایط بحران کنونی کشورهای سازشکار عربی با آنکه به عادی سازی روابط با دمشق روی آورده اند، اما در سایه شرایط جدید، مطالباتی از جمله دوری دمشق از تهران را بار دیگر در دستور کار خود قرار دهند.

روسیه، اما به عنوان حامی راهبردی سوریه، در تلاش برای آرام کردن اوضاع و حمایت از نظام سوریه در برابر موج تازه تروریسم می‌باشد و در سطح میدانی به بمباران شدید گروه‌های تروریستی پرداخته است؛ هر چند این کار مانع پیشروی آنها به سمت مناطق مهم به ویژه حلب نشده است؛ و سرانجام جمهوری اسلامی ایران که طی سال‌های جنگ و بحران مانع سقوط نظام بشار اسد شده

رسانه‌ها از رسیدن گروه‌های افراطی با محوریت گروه تروریستی - تکفیری «تحریر الشام» به شهر راهبردی حلب در شمال سوریه خبر داده‌اند، شهری که به عنوان پایتخت اقتصادی صنعتی سوریه محسوب شده و در جریان بحران ۱۰ ساله تلاش زیادی برای تصرف کامل آن از سوی معارضان صورت گرفت، اما موفق به این کار نشدند.

تحریر الشام به رهبری «بومحمد الجولانی»، از سال‌ها پیش با تثبیت موقعیت خود در ادلب و تشکیل حاکمیت خودگردان تحت عنوان «دولت نجات سوریه»، در صدد توسعه طلبی در شمال بوده و با حمایت‌های خارجی از یک سو و سوء استفاده از برخی ناراضیاتی‌ها در داخل، حملات خود را در بامداد چهارشنبه ۷ آذر کلید زد و در سایه ضعف و غافلگیری ارتش سوریه پیشروی‌های زیادی انجام داد.

همزمانی این حملات با اعلام آتش بس در لبنان این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که پروژه بعدی آمریکایی - صهیونیستی برای تضعیف زنجیره‌های مقاومت آغاز شده و اکنون نوبت به سوریه رسیده است. البته سوریه از سال‌ها پیش آماج حملات پراکنده رژیم صهیونیستی قرار داشته و هدف اعلامی این رژیم خروج ایران و نیروهای مقاومت از این کشور و نیز قطع ارتباط امدادی مقاومت از طریق این کشور بوده است.

در شرایط کنونی که مقاومت درگیر جنگ سختی در لبنان و غزه شده و حزب الله بسیاری از نیروهای خود را از سوریه به لبنان فراخوان کرده بود، تحریر الشام فرصتی مناسب یافته و با کسب چراغ سبز و اشنگتن و حمایت‌های پنهان رژیم صهیونیستی حملات خود را ساماندهی کرد. در میان بازیگران بحران کنونی از نقش ترکیه نمی‌توان غافل شد. آنکارا که از دیرباز از گروه‌های

است، طبعاً نگران وضعیت کنونی و تغییر معادلات در شمال سوریه بوده و ضمن محکوم کردن این حملات و دست داشتن حامیان تروریست‌ها در آن، در صدد کمک میدانی به ارتش سوریه از طریق هماهنگی بیشتر با روسیه می‌باشد. همچنین تلاش‌های دیپلماتیک به ویژه با ترکیه و ارجاع به توافقات آستانه، خصوصاً لزوم حفظ آتش بس و توافقات کاهش تنش در مناطق شمالی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

در مجموع باید گفت وضعیت کنونی که می‌توان آن را در چهارچوب ادامه پروژه تضعیف مقاومت پس از جنگ غزه و لبنان قلمداد کرد و برخی ناظران از آن به عنوان پیش درآمد فشار حداکثری دولت جدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تعبیر کرده اند؛ از پیچیدگی‌های زیادی با دخالت بازیگران متعدد با انگیزه‌های مختلف برخوردار است و در نتیجه مقابله با آن نیازمند هوشمندی و حزم و در عین حال تصمیم سریع برای حل بحران با استفاده از ظرفیت‌های مقاومت می‌باشد.

جمهوری اسلامی و قبض و بسط پراگماتیک شریعت



■ مسأله حجاب

در شرایطی که وقوع یک رخداد ناگوار یا تنش‌زا مانند مرگ مهسا امینی جامعه را به سوی یک دوقطبی پیش می‌برد، عمدتاً طبقه متوسط فعال در شبکه‌های اجتماعی با همراهی رسانه‌های خارجی چهره‌های سرشناس و از آن طریق عموم مردم را وامی دارند تا موضع سیاسی خود را در حمایت یا رد واقعه اعلام کنند. این اتفاقی طبیعی است اما آنچه در این میان از دست می‌رود مجالی برای فهم شرایطی است که امکان وقوع چنین رخدادی را پدید می‌آورد و البته این فهم نیز نه موضعی بی‌طرف یا خنثی بلکه درکی عمیق‌تر، همه‌جانبه‌تر و با فاصله‌ای مناسب از صحنه رخداد است که راه بردن به آن ممکن است در لحظه تصمیم‌گیری رسان ما باشد.

اگر چه با تعریفی که آگامبن از وضعیت استثنایی ارائه می‌دهد باید تمامی سال‌های پس از تأسیس جمهوری اسلامی را مشمول حقیقی‌ترین وضعیت استثنایی تاریخ معاصر جهان برای یک ملت دانست اما به هرحال پس از پایان جنگ در میان طیفی از سیاسیون تصویری از امکان بازگشت به شرایط عادی و پذیرش ایران در جامعه جهانی و نظام تقسیم‌کار آن پدید آمد. پیدایش این تصور ناشی از عدم فهم تفاوت‌هایی بود که میان اقتضات دولت و حکمرانی مدرن با نحوه حکومت‌داری پیش از آشنایی با تجدد بود. می‌توان راجع به حدود قلمرو دولت، بازار و جامعه مدنی که اکنون دهه‌هاست در جوامع مدرن در حال تغییر است سخن گفت اما آنچه با وجود تمام این تفاوت‌ها درباره دولت مدرن قابل بیان است آن است که این دولت به مثابه تجلی اراده جمعی برای تعیین سرنوشت، عهده‌دار اداره امور عمومی اعم از آموزش، بهداشت، امنیت و رفاه اولیه یعنی خوراک، پوشاک و مسکن برای یک ملت است. برعهده گرفتن این وظایف گسترده، زمینه‌ای است برای ورود حداکثری دولت به شئون و ساحات مختلف زندگی شهروندان در تمامی دوران حیات هر یک از آنها. وقتی یک دولت مرکزی که به وسیله یک شخصیت سیاسی یا جریان و حزب سیاسی با چنین دایره شمولی از تعامل با شهروندان اداره می‌شود دیگر به دشواری می‌توان مسئولیت تصمیمات و اقدامات دولت را از یکدیگر تفکیک کرده و فی‌المثل گفت آنچه دولت در زمینه مسکن انجام داده با آنچه درباره سیاست‌گذاری هنر به انجام رسانده ارتباطی با هم ندارند. در واقع شهروندان مصدر تمامی امور را دولت مرکزی می‌دانند.

در این میان دشواری جمهوری اسلامی دوچندان شده چرا که هم مسئولیت اجرای احکام شرع را برعهده دارد و هم اداره امور عمومی که ساختار دولت مدرن از آغاز برای تأمین این اهداف خود را محتاج تکیه بر دین نمی‌دانسته است. فراتر از این، قبول چنین مسئولیت‌های سترگی در شرایطی رخ داده که نظم اقتصادی - سیاسی جهان خروج کشوری مانند ایران - با این موقعیت ژئوپلیتیک و این میزان منابع انرژی و معدنی - را از دایره شمول مدیریت خویش برنمی‌تابد. فارغ از بحث‌هایی که می‌شود درباره نسبت و رابطه این دو دسته از مسئولیت‌های جمهوری اسلامی با یکدیگر داشت که باید در مجال دیگری به تفصیل بدان پرداخت، ایستادن و قبول این مسئولیت‌ها در شرایط تحت فشار شدید بیرونی کاری بسیار دشوار است.

تحقق انقلاب و هشت سال مقاومت در برابر جنگ تحمیلی پس از تأسیس جمهوری اسلامی در این شرایط دشوار امری بود که تنها با ایمان و امید مردم به آینده شدنی بود. اما با پایان جنگ صحنه‌ای که در آن مردم مهیبی جان باختن بر سر آرمان خویش بودند به تدریج برچیده شد اما در عین حال میدانی تازه گشوده نشد؛ معرکه‌ای که مردم دوباره در آن شخصیت پیدا کنند و به واقع بتوان در آن ایستادن انسان را به نظاره نشست. آن امید و آرمان ساختن ایران بود؛ ساختن ایران چونان نمادی از ایستادن انسان. اگرچه سال‌های پس از جنگ دولت «سازندگی» بر سر کار آمد اما در حقیقت ما محتاج ملت‌سازندگی بودیم. ساختن ایران به دست مردم بیش از آنکه معنایی اقتصادی داشته باشد یا هدف اولیه آن تأمین معیشت باشد معنایی سیاسی داشت که غایت آن تقویم شخصیت انسان ایرانی بود. اما در جهان اکونومی‌زده کنونی این طرح از سیاست لاجرم در بستری از یک فرم خاص اقتصاد سیاسی تعیین می‌یابد. در این چارچوب فهم تأکید چندین ساله رهبر انقلاب بر اقتصاد مقاومتی و مسأله تولید چندان دشوار نیست و روشن می‌سازد که او چگونه و برای تأمین معیشت مردم زایش سیاست برای تداوم راه جمهوری اسلامی را هدف گرفته است.

تجربه گرانبه‌های جنگ برای ما در وهله نخست ساخته شدن یک جامعه و شخصیت یافتن یک ملت بود و هر امر دیگری که به عنوان دستاورد جنگ از آن یاد کنیم فرع بر این مسأله است. پس از جنگ، دولت مردم چونان معادن و ذخائرش را با ذخائر انرژی جایگزین کرد. نتیجه این تغییر، شکل‌گیری یک اقتصاد سیاسی رانتیر به جای یک اقتصاد سیاسی مولد بود که می‌توانست محمل اصلی و راهبردی حضور مردم در سیاست باشد. متعاقباً پدید آمدن یک اقتصاد نفتی به معنای فقدان یک ریزبافت اقتصادی مردمی و تبدیل ایران به یک کشور نرمال و غیرسیاسی است. در واقع وابستگی اقتصاد ایران به درآمد نفت به جای درآمد حاصل از کار و تولید مردم نتیجه‌ای جز شکاف میان اهداف سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی با فرم حکمرانی و توان واقعی اقتصادی - سیاسی آن نداشت. خام‌فروشی در نظام تقسیم‌کار جهانی دامنه کنش سیاسی هر کشوری را محدود می‌کند زیرا به واسطه محدود و متعین بودن بازار خرید و فروش مواد خام افزایش اقتدار سیاسی از طریق افزایش توانمندی اقتصادی ناممکن می‌شود.

در این تحول و چرخش مردمانی که حاملان این آرمان‌های سیاسی بوده و آنها را بدل به نیروهایی دگرگون‌کننده می‌کردند در خوش بینانه‌ترین صورت خویش ذیل استعاره «دولت خدمتگزار» بدل به عائله دولت شدند. تبدیل مردم از یک نیروی سیاسی و شریک در اداره کشور به شهروند مخدوم و سربار دولت پیامدهایی داشته که شایسته است درباره هر یک از آنها یادداشتی مستقل نگاشته شود که به شرط حیات خواهم نوشت. مهم‌ترین رخداد این صحنه مرگ امر سیاسی، تبدیل فرهنگ به امر نوستالژیک و در پی آنها جایگزینی امید به آینده با فانتزی است. سیاست یا امر سیاسی لحظه ظهور فرهنگ چونان یک نیروی زایا و زاینده و شکننده شالوده وضع موجود به سوی آینده است. هنگامی که ضربان این قلب تپنده فرهنگ بیفتد، فرهنگ به مثابه تعیین ایستادن انسان و اهتزاز روح بی معنا شده و دیگر پوسته‌ای خشک و میان‌تهی است به یادگار مانده از گذشتگان که تنها می‌توان به آن افتخار کرد یا در فقدانش آهی از سر حسرت کشید. سرنوشت خوابیدن در باد افتخار به چنین فرهنگی همانی است که وضع اکنون اروپا را در قبال امریکا پدید آورده است؛ اروپایی ملعبه دست امریکا که دیگر فاقد هر طرحی از سیاست برای بازیافتن فرهنگی زنده در اکنون خویش است. همین شمایل به ظاهر دل‌فریب از فرهنگ اروپایی ما را به جای تمرکز بر جنگ اراده‌ها گرفتار گفتگوی تمدن‌ها ساخت. ما با انقلاب سیاست را از نو یافتیم و این مقارن با مردم پیدا کردن ایران بود اما در پایان جنگ بود که مردم دوباره از کفمان رفت اما نه آنچنان که چیزی از سیاست جمهوری اسلامی باقی نماند و نه آن گونه که بتوان گام‌های بزرگ برای برهم زدن قواعد متصلب حاکم بر نظم جهانی برداشت. در سال‌های پس از جنگ مردم را بیشتر می‌شد در صحنه‌هایی که اسما به معرکه سیاست شناخته می‌شدند جستجو کرد یعنی انتخابات، تظاهرات، فتنه‌ها و آشوب‌ها. این به منزله کم‌رنگ شدن حوزه عمومی و کاهش سهم مشارکت مردم در برپاداشتن ایران بود.

احیاء امر سیاسی در انقلاب و شکستن قواعد نظم سرمایه‌داری و ایجاد وضعی نامتقارن در منطقه و جهان ما را در معرض فشار واقعیتی قرار می‌داد که پس از رویارویی با آن بر آن شوریده بودیم. فشار این واقعیت در شرایطی به ما تحمیل می‌شد که جمهوری اسلامی نه به منزله قرار گرفتن در حاشیه جهان مدرن بود و نه همچون نگرش‌های سلفی سواد ناپودی آن را در سر می‌پروراند بلکه راهی بود از میانه تجدد به سوی آینده‌ای ورای آن. فشار واقعیت به هنگام عبور از این میانه بود که مسأله‌ی تازه را یک به یک پیش روی ما می‌گذاشت. تحت این فشار خرد سیاسی برای فهم و پاسخ به این مسائل پرورده می‌شد یا به عبارت دیگر علم‌شأن حقیقی خویش در نسبت با سیاست را می‌یافت. اما با شکاف میان سیاست اعلامی یا ایدئولوژی رسمی با مناسبات اقتصادی جامعه، علم نیز دیگر آنچنان از عهده روایت، نقد و حل مسائل ایران برنمی‌آمد.

در حقیقت جمهوری اسلامی در آغاز با چالش قبض و بسط پراگماتیک شریعت رو به رو شد اما پس از جنگ و طرح مسأله بازسازی کشور به جای مقاومت در نقطه فشار و قوام بخشی به آن خرد سیاسی ترجیح داد حفظ و ارتقاء یک دولت ملی و مستقل را و نهاده و با قبول قواعد توسعه برون‌زا تجددمآبی پیشه کرده یا به تعبیری به دنبال خام‌فروشی برای خرید تجدد از سوپرمارکت غرب بیفتند. اینجاست که به جای تأمل در مناسبات شریعت و سیاست در میدان واقعیت و عمل در دام قبض و بسط تئوریک شریعت افتاد. این زمینه‌ای بود برای آنکه غالب حوزویون متوسل به ادبیات کلامی برای دفاع از ساحت دین شوند و کثیری از اهالی علوم انسانی در پی طرح مسأله قبض و

بسط سرگرم یافتن راهکارهای عصری کردن دین باشند. عالمان اهل دیانت به جای رفتن بر سر چشمه جوشان سیاست - با همان تعریف که بدان اشاره شد - خشاب دفاع از فرهنگ و سنت را آن هم‌چنان که گفته شد - پر می‌کردند. اگرچه درافتادن با این مسأله برای برخی اهل علم منزلت و فضیلتی به بار آورد اما تا سال‌ها زمینه‌های همکاری و گفتگوی واقعی میان علم و سیاست را به حاشیه برد.

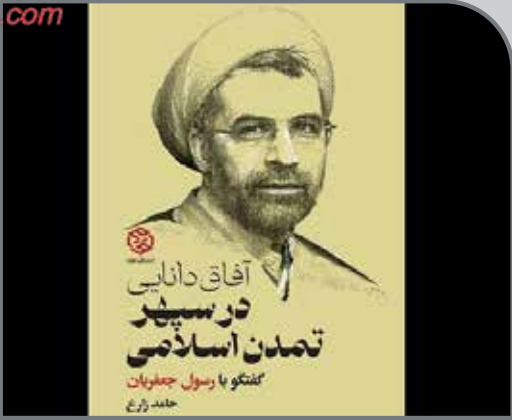
از منظری دیگر در تجربه سال‌های پس از جنگ این مفهوم «کار» بود که بی‌حیثیت شد. اگر فعالیت علمی را نتوان به راحتی وظیفه عموم مردم دانست اما کار همچون دفاع و وظیفه‌ای همگانی است. چنان‌که گفته شد کار پیش از آنکه امری اقتصادی باشد سیاسی است و کار مولد مردم اولاً به منزله استحکام سیاست از مجرای مشارکت مردم در ساخت ایران است. پذیرش فشار واقعیت در صحنه تولید و کار حتی اگر علم نیز در آغاز یا به پای آن پیش نمی‌آمد می‌توانست آن را به دنبال خویش بکشد و از این طریق سازمان تولید و در شکل کلی آن چارچوب اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی را طراحی کند. اما با نگاهی به ساختار نامولد اقتصاد تهران - که آن را بیش از هر چیز تبدیل به شهری پر از کارمند کرده که مابقی ساکنان شهر نیز مشغول دادن «خدمات» به آنها هستند - می‌شود فهمید این شهر به مثابه مهم‌ترین منبع پمپاژ پول در اقتصاد ایران چگونه به الگویی تکثیرشونده برای تمام شهرهای بزرگ و کوچک کشور تبدیل شده است.

این وضع رخوتناک چنان در تاروپود نهاد سیاست تنیده شده که حتی زمانی که مردم در واقعه‌ای همچون شهادت حاج قاسم امکان دوباره خیزش سیاست و تغییر اساسی معادلات منطقه و جهان را در اختیار حاکمیت قرار می‌دهند و حتی عموم آنها آماده پذیرش جنگ با امریکا برای انتقام بودند تصمیم گیران ما این فرصت را از خود و مردم ایران دریغ کردند و چه بسا تاوان کفران نعمت آن سردار بی‌مثال همان بود که با سقوط هواپیمای اوکراینی بر ما رفت.

درک فانتزی از معنای توسعه پس از جنگ و وجود موهبت نفت برای تحقق این خیال پردازی شکست و پیروزی حقیقی را برای ما به تعویق انداخت و حتی معنای آن را تغییر داد. اما به هرحال جمهوری اسلامی برای نشان دادن اینکه میراث‌دار سیاستی است که با انقلاب ظهور کرده می‌بایست اعمال حاکمیت کند که مع‌الاسف در این شکل نامولد از اقتصاد نقاط زیادی برای تأمین چنین مقصودی وجود نداشت. اگرچه در میدان دفاع یا برخی فناوری‌ها یا صحنه منطقه ای و... چشم در چشم شدن با خطر ما را به ضرورت اعمال حاکمیت واقف کرد و به همین سبب نیز به توفیقات بزرگی دست یافتیم اما در عرصه مدنی و اجتماعی به هر دلیل بر مسائل چندانی دست نگذاشتیم. در این میان به دلیل فشار غرب در مسأله آزادی‌های جنسی «حجاب» تبدیل به نقطه اعمال حاکمیت نظام شد. با وقوع انقلاب حجاب با محفوظ داشتن جاذبه‌های طبیعی زن زمینه تجلی انسانی و فعالیت سیاسی و اجتماعی زن را بیشتر مهیا نمود اما تبدیل شدن حجاب به نقطه اعمال حاکمیت آن هم در شرایط ناهم‌تراز ایدئولوژی رسمی و ساختار اقتصادی سبب شد تا امکان طراحی ساختارهای متناسب برای بقا و بهبود فعالیت سیاسی و اجتماعی زن به محاق رفته و انگاره زن در فرهنگ سنتی دوباره در ذهن حاکمیت غالب شود. در این موقعیت ناهم‌تراز سطح تحصیلات زنان افزایش یافت، معماری و شهرسازی خانواده محور از میان رفت و... و هم‌زمان انتظار از زن به عنوان مادر و رکن اصلی آرامش خانواده و منبع عاطفه و احساس و... پابرجا ماند.

در این ناهم‌ترازی‌ها حجاب دیگر نه فرصتی برای مشارکت خاص زنان در قوام جمهوری اسلامی - که دیگر به هیچ یک از دو الگوی زن مدرن و تصویر زن در سنت شباهت کامل نداشت - بلکه نقطه ضربه پذیر نظام بود چرا که جمهوری اسلامی آن را نقطه اعلام حضور خود به عنوان حکمران کرده بود. بنابراین نباید تعجب کرد که چرا در مسأله‌ای مانند اعتراض به برخورد نیروی انتظامی با مهسا امینی و مرگ او این موضوع به سرعت می‌تواند به سمت شعارها و اقدامات ساختار شکنانه علیه کلیت نظام حرکت کند و از همین طریق هر برنامه‌ریزی و کنش داخلی و خارجی برای براندازی نظام با آن همراهی کند.

در چنین شرایطی توضیح حقوقی قانون حجاب و موجه بودن برخورد پلیس با بی‌حجابان کمکی به رفع بحران نمی‌کند بلکه تنها آن را به تعویق خواهد انداخت زیرا در مواجهه پدیدارشناختی با ماجرا می‌توان دریافت که آن شکاف و ناهم‌ترازی قانون حجاب را دست کم در شرایط فعلی به امری قابل پذیرش برای جامعه تبدیل نمی‌کند. اگر به مسأله از این زاویه نگریسته شود فهم این مسأله هم دشوار نیست که عموم جامعه ایران درگیر یک چالش دینی و عقیدتی با مسأله حجاب نیستند بلکه آن را محمل پاسخ سیاسی خویش به نحوه حکمرانی جمهوری اسلامی قلمداد می‌کنند. در شرایط کنونی عدم توجه به این بنیان‌هایی که زمینه بحرانی شدن حجاب در ایران شده و به تعویق انداختن مواجهه اصولی با آن معلوم نیست دیگر زمانی را در اختیار ما قرار دهد.

آفاق دانایی
در سپهر تمدن اسلامی

کتاب «آفاق دانایی در سپهر تمدن اسلامی» شامل مصاحبه حامد زارع با رسول جعفریان است مطالب کتاب تلاش دارد تا از طریق سوال و جواب و مصاحبه، آئینه‌ای در برابر کوشش‌های رسول جعفریان در عرصه‌های متنوع تاریخ تشیع، تاریخ اندیشه دینی، تاریخ تطور علم در تمدن اسلامی و همچنین تولید علم قرار دهد.

کتاب «آفاق دانایی در سپهر تمدن اسلامی» که شامل مصاحبه حامد زارع با رسول جعفریان است به همت انتشارات روزنه منتشر شد.

این اثر در سه فصل مجزا با عناوین زندگینامه، نقدنامه و کارنامه به بررسی آثار و آراء استاد تاریخ دانشگاه تهران در شش دهه عمر او پرداخته است. کتاب تلاش دارد تا از طریق سوال و جواب و مصاحبه، آئینه‌ای در برابر کوشش‌های رسول جعفریان در عرصه‌های متنوع تاریخ تشیع، تاریخ اندیشه دینی، تاریخ تطور علم در تمدن اسلامی و همچنین تولید علم قرار دهد.

زارع در بخشی از مقدمه کتاب آورده است: جعفریان، به عنوان یک مورخ در دهه شصت و هفتاد خورشیدی بنا بر سابقه‌ای که در آن بالیده بود و بر اساس سنت فکری رایج در دهه‌های پیش از آن، از وضعیت کنونی تمدنی ما در برابر هر نوع انتقادی دفاع می‌کرد، اما در دهه هشتاد و نود و با تمرکز بر روی بحث علم و مفهوم آن پیدا کرد، افکارش دچار دگردیسی شد و به عنوان یک محقق تاریخ اندیشه، آسیب‌شناسی مفهوم علم در تمدن اسلامی و همچنین وضعیت علم در دوران معاصر را در دستور کار خود قرار داد.

جعفریان در پانزده سال اخیر با تمسک به چهره‌های کاملاً علمی در تمدن اسلامی نظیر ابن‌خلدون و ابوریحان بیرونی، بخش زیادی از مطالبی را که تحت عنوان شبه‌علم قابل نام‌گذاری است در عرصه‌هایی نظیر نجوم، علوم غریبه و طب اسلامی به طور جدی به چالش کشیده است. رسول جعفریان امروزه با این دریافت از وضع تحقیقات علمی کشور که در آن آثار مستقل درباره سرگذشت علم در تمدن اسلامی به ندرت یافت می‌شود، اهتمام خود را مصروف بررسی انتقادی مفهوم علم در تمدن اسلامی و همچنین وضعیت علم در ایران معاصر کرده است.

این مصاحبه‌کننده با ذکر این نکته که اگر چه جعفریان در ده سال اخیر همه وقت خود را وقف تلاش برای رسیدن به درکی نو و متفاوت از تصویر و تصور علم در جوامع اسلامی کرده، اما در این میان از کتاب و کتابخانه به عنوان اصلی‌ترین مشغله‌اش نیز غفلت نورزیده و حتی این دو حوزه را به همدیگر پیوند زده و مجموعه‌ای کم‌نظیر از بررسی انتقادی را در دسترس علاقه‌مندان علوم انسانی ایران قرار داده می‌نویسد: «رسول جعفریان علاوه بر تداوم پروژه تحقیقاتی ویژه‌اش درباره مفهوم علم در تمدن اسلامی و تطورات و تصورات آن، از بازبینی آثار قدیمی خود و آماده‌سازی آنها برای انتشار بعدی با اضافات و اصلاحات نیز تغافل نمی‌کند».

کتاب «آفاق دانایی در سپهر تمدن اسلامی» گفتگو با رسول جعفریان در ۴۲۰ صفحه و به قیمت ۳۹۵ هزار تومان از سوی انتشارات روزنه روانه بازار نشر شده است.

سیاست صهیون-آمریکایی برای بحران در سوریه



اسلام بخصوص محور مقاومت قدم بر دارند. انتقال درگیری‌ها به مناطق مانند حلب و ادلب، محور مقاومت را ناگزیر به استفاده از نیروها و امکاناتی می‌کند که باید برای جبهه‌های دیگر حفظ شوند. این امر موجب محدودسازی توان بازبانی حزب‌الله و حماس و همچنین ناگزیر کردن ایران به حضور فعال در چند جبهه می‌شود. علاوه بر این، تجهیز و تسلیح تروریست‌های مستقر در شمال سوریه و اعزام کاروان‌های نظامی از سوی ترکیه و دیگر حامیان خارجی، نشان‌دهنده بازسازی گروه‌های نیابتی ضد مقاومت است. به این ترتیب به جای آنکه رژیم صهیونیستی به‌طور مستقیم با مقاومت درگیر و متحمل خسارت‌های عمده گردد، از گروه‌های نیابتی تروریستی بهره می‌گیرد.

موضوع روسیه

یکی از مزیت‌های سوریه در جنگ با تروریست‌های تکفیری از ژانویه ۲۰۱۲، این بود روسیه با حمایت هوایی از جبهه مقاومت توانمندی کافی را برای پشتیبانی از عملیات زمینی نیروهای مقاومت سوریه و مقاومت منطقه‌ای حامی سوریه داشت. به ویژه در سال ۲۰۱۵ که درگیری بین این گروه‌های ائتلافی با دولت سوریه اوج گرفت، دولت روسیه به عنوان مهم‌ترین حامی عملیات هوایی از نیروهای مقاومت علیه تروریست‌ها حمایت کرد.

درگیر شدن روسیه از سال ۲۰۲۲ به جنگ اوکراین تا حد زیادی این کشور را از سوریه دور کرده است. گرچه روسیه کماکان حضور نظامی خود را در سوریه دارد اما این حضور تا حد بسیار زیادی تنزل یافته است. این موضوع نیز در ادراک تروریست‌ها و کشورهای پشتیبان آنها برای شروع دور جدید حملات علیه دولت و مردم سوریه بی‌تاثیر نبوده است. در واقع به آشوب کشیدن سوریه می‌تواند نقطه عطفی برای روسیه نیز تلقی شود. به نظر می‌آید آمریکایی‌ها با تحریک تروریست‌ها در سوریه، قصد دارند محور مقاومت و ایران را با یک بحران جدید درگیر کنند و نیز بخش‌هایی از توان و ظرفیت روسیه را به چالش بکشند.

همزمانی فعال‌سازی گروه‌های تکفیری در سوریه با آتش‌بس لبنان و رژیم صهیونیستی نشان‌دهنده راهبرد چندلایه رژیم صهیونیستی برای محور مقاومت مبنی بر دور کردن جنگ از شمال سرزمین‌های اشغالی برای متقاعدسازی صهیونیست‌های در راستای بازگشت آنها به شهرک‌های صهیونیست‌هاست. در حالی که تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان با آتش‌بس اخیر، امکان کاهش تنش در منطقه را به وجود آورده بود، تحرکات گروه‌های تروریستی که از ماه‌ها قبل توسط رژیم صهیونیستی، آمریکا و ترکیه تجهیز شده بودند، حکایت از راهبرد فرسایشی کردن جنگ برای مقاومت با تغییر جغرافیای آن و دور کردن رژیم صهیونیستی از جنگ در منطقه است.

تلاش برای اجرای دوباره دکترین بن گورین

دیوید بن گورین، نخستین نخست‌وزیر رژیم جعلی صهیونیستی، دکترین نظامی-امنیتی برای مقابله با کشورهای عربی و گروه‌های فلسطینی اتخاذ کرد. حمله پیش‌دستانه و جنگ محدود، انتقال بحران به خارج از فلسطین اشغالی، عدم درگیری در چند جبهه، گسترش روابط با کشورهای غیر عرب غرب آسیا، خودکفایی در صنایع دفاعی، مهاجرت دیاسپورا یهودی به سرزمین فلسطین و ... از جمله اصول اساسی استراتژیست‌های نظامی رژیم پیش از حمله هفتم اکتبر بوده است.

بر این اساس عملیات هفتم اکتبر دکترین بن گورین را زیر سوال برد و رژیم را فاقد راهبرد نمود. حال بعد از ۱۴ ماه، رژیم صهیونیستی با فعال‌سازی گروه‌های تکفیری در سوریه در تلاش است با انتقال بحران به خارج از سرزمین‌های اشغالی، بخشی از دکترین بن گورین را دوباره احیا کند. جنگ در سوریه باعث می‌شود که صهیونیست‌ها تلاش کنند زمان کافی برای طراحی دوباره سیاست‌های بحران ساز در غرب آسیا را فعال کنند.

آسیب به عقبه حزب الله لبنان

در جریان جنگ غزه، حزب الله لبنان با هدف کمک به مردم غزه و حماس در راستای کاهش تمرکز صهیونیست‌ها بر این منطقه، اقدام به عملیات‌های نظامی در شمال سرزمین‌های اشغالی نمود که در نتیجه آن بخش عظیمی از ساکنان شهرک‌های نظامی اقدام به ترک شمال سرزمین‌های اشغالی شدند که در نتیجه آن حاکمیت رژیم صهیونیستی در آن مناطق زیر سوال رفت. حزب‌الله لبنان با گرفتن تلفات سنگین از صهیونیست‌ها در جنگ زمینی مرحله جدیدی از ناتوانی آنها را به نمایش گذاشت. پیروزی حزب‌الله لبنان بر رژیم صهیونیستی که با آتش‌بس خود را نمایان ساخت، موجی از اعتراضات داخلی را در سرزمین‌های اشغالی در برداشت و نشان داد که صهیونیست‌ها برای بار دوم شکست سنگینی را از محور مقاومت و بخصوص از حزب‌الله متحمل شدند.

سیاست محور صهیونیستی-آمریکایی

استقبال و حمایت رژیم صهیونیستی و آمریکایز بحران در سوریه نشان می‌دهد فعال‌سازی جنگ داخلی در کشورهای منطقه اساس و شالوده سیاست‌های محور عبری-غربی است. از این رو تنفس رژیم صهیونیستی در غرب آسیا مبتنی بر ایجاد تنش بین کشورهای اسلامی و همچنین فعال‌سازی اختلافات داخلی در میان کشورهای همچون سوریه، لبنان، عراق، یمن، ایران و ... می‌باشد. این رویکرد باعث ایجاد فضای امن برای صهیونیست‌ها مبنی بر اینکه بتوانند سیاست‌های خود را در تضعیف جهان



داستان سوریه

آرش رئیس‌نژاد

دل شامات است؛ سرزمینی با قدمتی طولانی ولی فاقد هویت ملی! کشوری که حتی نام خود را از تمدنی تاریخی ورای مرزهایش به عاریت گرفته: امپراتوری آسور یا آشور در شمال عراق؛ سوریا نامی بود که یونانیان و رومیان آن را بر شامات گذاشتند و آسورستان نامی بود که ایرانیان بر عراق.

جغرافیای گسسته سوریه اما پلای جانش گشته؛ جغرافیایی که این کشور را به شش بخش جداگانه تقسیم کرده‌است: واحه‌ای در جنوب‌غربی، دروازه‌ای در شمال، نواری ساحلی در غرب، فلاتی ناهموار در جنوب، دالانی شمالی-جنوبی و زمینی هموار و بابر در شرق. کنش و رخداد‌های سوریه را از درپچه جغرافیا ببینید!

در پشت کوه‌های لبنان واحه‌ای است که از یکسو به کوه و از دیگر سو به بیابان منتهی می‌شود. دمشق در میان آن جای دارد که کارکردی شبیه دزی کوچک دارد. از دمشق دسترسی به همه جای کشور کم و نادر است. جای شگفتی نیست که حاکم دمشق نیازمند دولتی نظامی با مشت آهنین برای حکومت بر همه کشور است.

در شمالغرب حلب جای‌گرفته که دروازه تجاری طبیعی میان شامات است با آسیای صغیر در شمال و میان‌رودان در شرق. حاکمان آسیای صغیر (روم، عثمانی و ترکیه کنونی) همواره چشم طمع بدین مرکز بازرگانی داشتند. پس کنترل حلب مهم‌ترین گام برای حاکم دمشق است جهت حفظ یکپارچگی کشور در برابر آسیای صغیر!

رشته‌کوهی باریک و کم‌ارتفاع در غرب و مشرف بر مدیترانه کرانه باریک ولی طولانی را شکل داده که موازی اقلیت‌های دینی علوی و مسیحی است اقلیت‌هایی که همواره از سوی حاکمان سنی خارجی مستقر در دهانه رود نیل یا دریای مرمره زیر فشار بوده‌اند. لاذقیه و طرسوس در اینجا جای‌گرفته‌اند و دسترسی به بیرون را فراهم می‌کند. جای شگفتی نیست که راه اتحاد با قدرت‌های خارجی دوردست، نخست فرانسه و اکنون روسیه، از این کرانه می‌گذرد! پس کنترل نوار ساحلی برای حفظ رابطه با متحد بیرونی و تلاش واپسین برای حفظ چیرگی بر مرکز اقتصادی حلب بنیان حکمرانی حاکم دمشق بر کشوری فاقد هویت ملی است.

حمص و حماه بر دالانی به موازات رودخانه اورونتس جای دارند که دمشق را به حلب پیوند می‌دهد. حفظ چیرگی بر حلب تنها از این دالان امکان‌پذیر است و مخالفت با دمشق از بی‌ثباتی در این دالان می‌گذرد. مسیر دمشق-حلب «دالان کنترل و شورش» است. پربیره نیست که اورونتس را رود عاصی می‌خوانند!

دره فرات در شرق است و پهنه‌ای وسیع از زمین‌های هموار ولی بابر که بخشی از جزیره است، جزیره در میان شمال عراق، جنوب ترکیه و شرق سوریه است و سه شهر اصلی آن موصل آمد (دیاربکر) و رقه است. برخلاف آمد کردنشین، دو شهر دیگر عرب‌زبان است و موازی قبایل بادیه‌نشین با سرعت تحرک بالاست.

در فاصله موصل تا رقه بافت زمین یکسان است و مردمانی همسان به لحاظ دینی و زبانی زندگی می‌کنند. موصل و رقه در طول تاریخ همواره رابطه‌ای تنگاتنگ داشتند به‌گونه‌ای که حاکم موصل و رقه یکی بوده و حاکمیت دمشق نادر بود! جغرافیا بستر قلمرویی نیمه مستقل از فرات تا دجله در جزیره فراهم کرده؛ زمین‌های ناهموار جبل‌الدروز و فلات حوران در جنوب در مرز با اردن نیز جایگاهی ایمن برای فرقه دروزی فراهم ساخته. برخلاف بخش عمده کشور که جمعیت مسلمان سنی دارد، کثرت اقلیت‌های مذهبی و فرقه‌های آیینی در کوه‌های جنوبی، همچو کرانه ساحلی، چشم‌گیر است؛ کثرتی که البته به وحدت نیجامیده!

پس جغرافیا سوریه را تکه‌تکه کرده: دمشق پایتخت محاصره‌شده و راه‌های دسترسی کمی به دیگر بخش‌ها داشته و هیچ‌گاه پیش از تشکیل سوریه مدرن، بر حلب و رقه تسلط پایدار نداشته؛ حلب زیر نفوذ قسطنطنیه-استانبول بوده؛ دالان ناامن حمص-حماه مرکز سیاسی را به دروازه تجاری وصل کرده. رقه و موصل زیر سیطره قدرتی واحد بوده؛ نوار باریک کرانه مدیترانه و جبل‌الدروز هر دو موازی غیر سنینند. ریشه نبود حاکمیت و هویت ملی را در جغرافیای گسسته‌ازهم این کشور ببینید.

جای شگفتی نیست که کشور آماج شورش، حمله و یا توطئه از سوی دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. آلت‌ناتنیوهای داخلی نیز می‌توانند یکپارچگی سرزمینی آن را برهم‌زنند. از همین روست که برای جلوگیری از فروپاشی محتمل داخلی، حکومت‌های سوری به سیاست سرکوب با مشت آهنین متوسل می‌گردند! تصمیم و کنش‌های سیاسی در طول تاریخ توسط بستری جغرافیایی محدود گشته‌اند و این یعنی چیرگی ژئوپلیتیک؛ جغرافیا دگربار در پس جنگ داخلی سوریه بود؛ داعش حاکم رقه گشت و بر موصل چیره شد. دمشق کنترل خود را بر کرانه مدیترانه حفظ کرد و اینگونه حمایت متحد دوردست روسی را تضمین شده دید، مخالفین حلب را با کنترل حاکم آسیای صغیر (ترکیه) و در دست داشتند. جبل‌الدروز نیز در دست دیگر شورشیان افتاد؛ عمده نبردها نیز در محور دالانی بود که واحه دمشق را از طریق حمص و حماه به دروازه تجاری حلب پیوند می‌داد.

دور نخست جنگ داخلی با پیروزی اسد و متحدین روسی-ایرانی آن پایان یافت چرا که کنترل دالان را در دست گرفتند. کردهای سوریه نیز جایگزین داعش در شرق فرات گشتند.

هفته پیش اما کنترل اسد به یک‌باره بر حلب برهم‌خورد؛ شکستی که پیامد ۲۷ سپتامبر بود! دگربار منطق ژئوپلیتیک حکم می‌کند که آنکه کنترل دالان حمص-حماه را در دست گیرد؛ پیروز خواهد بود؛ پیروزی در سلطه بر کشوری که همه چیز دارد و هیچ ندارد!

دست خدا را در پس نیروهای نامرئی ژئوپلیتیک ببینید!

دولت فرانسه چرا و چگونه سقوط کرد

محمود پوررضائی فیشخامی



برای کسانی است که می‌خواهند بدانند چه شد دولت فرانسه سقوط کرد، همین ابتدا بگویم که عامل استیضاح دولت، ابتکار عمل پارلمان نبود، بلکه مجلس با تحریک دولت مجبور به استیضاح شد.

مواردی که از گذشته باید بدانید:

- ۱- امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، پس از نتایج ضعیفی که ائتلافش در انتخابات پارلمان اروپا به‌دست آورد، تابستان گذشته مجلس ملی کشور را که اکثریتش را در اختیار داشت، منحل و انتخابات زودهنگام برگزار کرد.
- ۲- پارلمان اروپا یکی از سازمان‌های اتحادیه اروپاست که از هر کشور عضو این اتحادیه، نمایندگان در آن حضور دارند. این نمایندگان متفاوت از نمایندگان عضو مجالس ملی کشورها و در انتخاباتی جداگانه انتخاب می‌شوند.
- ۳- رئیس‌جمهوری فرانسه طبق ماده ۱۲ قانون اساسی این کشور، از صلاحیت منحل کردن مجلس ملی برخوردار است.
- ۴- در پی برگزاری انتخابات زودهنگام تابستان گذشته، هیچ ائتلافی اکثریت پارلمانی برای تشکیل دولت به دست نیامد. اما بر خلاف انتظار، بیشترین کرسی‌ها به راست افراطی نرسید، بلکه ائتلاف چپ رادیکال و گروهی از چپ‌های میانه، با ۱۹۳ کرسی حائز اکثریت نسبی شد.
- ۵- اما ماکرون گزینه نخست‌وزیری را از ائتلافی که اکثریت نسبی به دست آورده بود، انتخاب نکرد، بلکه نخست‌وزیر از ائتلاف حامی خودش که در آن ترکیبی از چپ میانه و راست میانه، با غلبه راست میانه، حضور دارد، انتخاب کرد.
- میشل بارنیه که به نخست‌وزیری برگزیده شد، نیز به جریان راست میانه تعلق دارد و به این ترتیب، در واقع، یک دولت اقلیت شکل گرفت.
- ۶- در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی (فرانسه نیمه‌ریاستی است)، دولت اقلیت به دولتی گفته می‌شود که اکثریت مطلق

کرسی‌های پارلمان را در اختیار ندارد؛ اما چون بقیه فراکسیون‌ها چشم دیدن همدیگر را ندارند که بتوانند ائتلافی دائمی و دارای اکثریت مطلق علیه دولت ایجاد کنند، دولت اقلیت در هر مورد به کمک رأی یک یا چند فراکسیون اکثریت لازم برای کسب اعتماد مجلس یا تصویب قانون را به دست می‌آورد و روی کار می‌ماند.

آنچه موجب سقوط دولت فرانسه شد:

۱) دولت میشل بارنیه لایحه بودجه را بدون توافق با ائتلاف چپ (رادیکال و میانه) و ائتلاف راست افراطی تنظیم کرد و چون می‌دانست برای تصویب در مجلس ملی کار دشواری در پیش دارد، تصمیم گرفت از اختیارات ویژه‌اش استفاده کند.

۲) منظور از اختیارات ویژه چیست؟

طبق ماده ۴۹ قانون اساسی فرانسه، دولت می‌تواند لوائح را در قالبی به نام مسئولیت دولت، به مجلس ارائه کند؛ یعنی بگوید مسئولیت این لایحه کاملاً با دولت است و از مجلس بخواهد از بررسی آن خودداری کند.

۳) در این حالت، مجلس دو راه دارد:

۱) کاری نمی‌کند که در این صورت لایحه بدون بحث و تصویب در مجلس، تبدیل به قانون می‌شود.

۲) یا اینکه در واکنش به این اقدام، طرح استیضاح دولت را در دستور کار قرار می‌دهد.

در این صورت، اگر استیضاح رأی نیامد، به معنی پذیرش مسئولیت دولت است و لایحه مد نظر دولت به‌طور خودکار تبدیل به قانون می‌شود. اما اگر استیضاح رأی بیاورد، دولت باید استعفا بدهد که الان همین‌طور شده است.

حالا چه می‌شود؟



ضرورت حفظ ارزش پول ملی

یکی از دغدغه‌های رایج مردم ایران حفظ ارزش سرمایه‌های آنان است و افراد از همدیگر سؤال می‌کنند که برای حفظ ارزش پول خود چه کار کنیم؟ آیا طلا بخریم؟ ارز بخریم؟ خودرو بخریم؟ و ... برای نمونه، کارمند یا کارگری که دارد تلاش می‌کند بخشی از درآمد خود را پس‌انداز کند که پس از چند سال یک خودرو بخرد، بعد از مدتی متوجه می‌شود که به دلیل کاهش مداوم ارزش پول نمی‌تواند ارزش پس‌انداز او کاهش یافته و در واقع نمی‌تواند به هدف خود برسد. این مثال یک نمونه از دغدغه مردم برای حفظ ارزش پول ملی است. کارشناسان اقتصادی ضرورت حفظ ارزش پول ملی را به چند دلیل اساسی می‌دانند:

۱. **ثبات اقتصادی:** ارزش پول ملی پایدار، پایه و اساس یک اقتصاد سالم و باثبات را تشکیل می‌دهد. نوسانات شدید در ارزش پول، موجب بی‌ثباتی در قیمت‌ها (تورم بالا یا تورم ناگهانی)، کاهش قدرت خرید مردم، و عدم اطمینان در سرمایه‌گذاری می‌شود. این بی‌ثباتی می‌تواند به رکود اقتصادی، افزایش بیکاری و مشکلات اجتماعی منجر شود.

۲. **قدرت خرید:** وقتی ارزش پول ملی کاهش می‌یابد (تورم افزایش می‌یابد)، قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، با همان مقدار پول، می‌توان کالا و خدمات کمتری خریداری کرد. این امر به ویژه برای اقشار کم‌درآمد جامعه بسیار زیانبار است.

۳. **سرمایه‌گذاری:** سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به ثبات اقتصادی و ارزش پول ملی پایدار نیاز دارند. نوسانات شدید در ارزش پول، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و می‌تواند به خروج سرمایه از کشور منجر شود که این امر به رشد اقتصادی آسیب می‌رساند.

۴. **تجارت خارجی:** ارزش پول ملی بر صادرات و واردات کشور تأثیر می‌گذارد. کاهش ارزش پول می‌تواند صادرات را افزایش دهد (زیرا کالاهای داخلی ارزان‌تر می‌شوند)، اما واردات را گران‌تر می‌کند. افزایش ارزش پول می‌تواند واردات را ارزان‌تر کند، اما صادرات را کاهش دهد. نوسانات شدید در ارزش پول، برنامه‌ریزی برای تجارت خارجی را دشوار می‌کند.

۵. **اعتماد عمومی:** حفظ ارزش پول ملی، اعتماد مردم به دولت و سیستم اقتصادی را افزایش می‌دهد. وقتی مردم به ثبات اقتصادی و ارزش پول خود اطمینان دارند، تمایل بیشتری به پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی دارند.

۶. **کاهش فقر و نابرابری:** تورم بالا و نوسانات شدید ارزش پول، به ویژه برای فقرا و آسیب‌پذیران جامعه زیانبار است. حفظ ارزش پول ملی می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری کمک کند.

۷. **روابط بین‌المللی:** ارزش پول ملی پایدار، به بهبود روابط اقتصادی و سیاسی کشور با سایر کشورها کمک می‌کند. یک پول باثبات، نشان‌دهنده ثبات و قدرت اقتصادی کشور است. در مجموع، حفظ ارزش پول ملی یک ضرورت اساسی برای رشد اقتصادی پایدار، عدالت اجتماعی و ثبات سیاسی است. دولت‌ها باید با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب، تلاش کنند تا ارزش پول ملی خود را حفظ کنند.



دسترسی بیمه‌گذاران به خدمات موردنظر سریع‌تر انجام شود.

کشاورز با بیان اینکه شرکت‌های بیمه نقش بسیار اساسی و مفیدی در توسعه اقتصاد کشورمان دارند گفت: بیمه‌های بازرگانی این امکان را به شرکت‌ها و کسب‌وکارها می‌دهند که ریسک‌های مالی خود را کاهش داده و در تجارت بین‌المللی با اطمینان خاطر بیشتری عمل کنند.

وی با بیان اینکه نمی‌توان نقش اساسی بیمه‌ها را در تسهیل تجارت بین‌الملل و ایجاد اشتغال نادیده گرفت اظهار کرد: صنعت بیمه به ایجاد شغل و فرصت‌های شغلی کمک می‌کند و همچنین با حمایت از کسب‌وکارها می‌تواند به اشتغال‌زایی در بخش‌های دیگر اقتصاد نیز کمک کند.

کارشناس بیمه، لزوم توجه شرکت‌های بیمه‌ای به محث نوآوری را در ارائه خدمات به بیمه‌گذاران و همچنین بالابردن سطح رضایتمندی آنها بسیار ضروری دانست و گفت: متأسفانه تحریم در ارائه خدمات و تبادل بین‌المللی تجارت تأثیرات منفی ایجاد کرده و از مواردی است که باعث شده شرکت‌های بیمه از تجارت بین‌المللی محروم شوند.

کشاورز از لزوم فرهنگ‌سازی، آموزش و اطلاع‌رسانی در رابطه با خدمات شرکت‌های بیمه‌ای در کشور سخن گفت و اظهار کرد: اگر بیمه‌گذاران با فرایندهای بیمه‌گری بیشتر آشنا شوند قطعاً سطح رضایت آنها نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

این کارشناس بیمه در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو تأکید کرد: خدمات بیمه‌ای به‌ویژه در فضای فعلی باید برخط باشد و

تراز صنعت بیمه در ایران منفی است

مجید مشعلچی فیروزآبادی - محمدرضا کشاورز

این مقام مسئول تصریح کرد: در حال حاضر به دلیل مشکلات اقتصادی مردم کشورمان، امکان افزایش حق بیمه وجود ندارد و این در حالی است که هزینه‌های اداری و پرسنی و کارمزد شرکت‌های بیمه افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه صنعت بیمه در همه کشورهای دنیا از عوارض معاف است گفت: ما از سال ۱۳۸۲ تاکنون تقریباً صد همت عوارض به وزارت بهداشت، فراجا، راهداری و غیره پرداخت کردیم و هر سال هم یک سازمان اضافه می‌شود؛ بنابراین به‌جای اینکه به صنعت بیمه اجازه دهند پروبال بگیرد و به اقتصاد ملی کمک کند هر کسی یک عوارضی به آن می‌بندد.

قائم‌مقام بیمه مرکزی از رونمایی از آخرین نظرسنجی‌ها و پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایتمندی بیمه‌گذاران در سی و یکمین همایش بیمه سخن گفت و عنوان کرد: خوشبختانه نتایج رضایت از بیمه در حد بسیار بالایی است و طبق این نظرسنجی، رضایت از بیمه‌های بازرگانی که اختیاری است و فرد باید پول بپردازد نسبت به بیمه‌های پایه و اجتماعی که بخش عمده آن را دولت و کارفرما پرداخت می‌کند بیشتر است و دلیل عمده این رضایت هم دو موضوع رقابتی بودن این صنعت و بخش خصوصی عنوان شد.

در ادامه این برنامه، دکتر محمدرضا کشاورز از کارشناسان و مدیران سابق بیمه کشور با اذعان به نقش اساسی بیمه در توسعه‌یافتگی کشورهای دنیا گفت: یک رابطه مستقیمی بین بیمه و توسعه اقتصاد کشورها وجود دارد.

وی افزود: در حال حاضر بیمه‌گران زیادی در کشورمان در حال فعالیت هستند؛ اما بیمه‌گذاران بعضاً در دریافت خدمات ناراضی‌هایی دارند که بخشی از این ناراضی‌ها به قوانین و مقررات حکم در کشور برمی‌گردد و بخشی هم ناشی از نوع دسترسی‌های بیمه‌گذاران به خدمات موردنظر است.

این کارشناس بیمه در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو تأکید کرد: خدمات بیمه‌ای به‌ویژه در فضای فعلی باید برخط باشد و

برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو به مناسبت روز بیمه درباره نقش‌آفرینی بیمه در رشد و توسعه اقتصاد کشور با دکتر مجید مشعلچی فیروزآبادی قائم‌مقام بیمه مرکزی مصاحبه کرد.

مشعلچی فیروزآبادی رابطه بین صنعت بیمه و توسعه اقتصاد را یک رابطه مستقیم و دوطرفه خواند و گفت: این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند بطوریکه گفته می‌شود بیمه در بدنه اقتصاد کشور حکم ستون فقرات را دارد.

وی از نقش صنعت بیمه در تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، پوشش ریسک و تأسیس شرکت‌های تضامین سخن گفت و افزود: بیمه هم از نظر موضوعات مربوط به سرمایه‌گذاری و تأمین مالی می‌تواند به اقتصاد کشور کمک کند و هم با پوشش ریسک‌های ناشی از بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی می‌تواند به شکل غیرمستقیم نقش‌آفرینی کند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بیمه‌های اعتباری و تضامین به‌عنوان پشتوانه آرامش‌بخش برای سرمایه‌گذاران اشاره کرد.

قائم‌مقام بیمه مرکزی با بیان اینکه بیمه‌ها موتور پیشران در هر اقتصادی هستند اظهار کرد: شرکت‌های بیمه‌ای به دلیل ماهیتی که دارند پول‌های خرد مردم را به پروژه‌های تولیدی، زیرساختی و ملی سودآور تبدیل می‌کنند.

وی افزود: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مردم‌نهاد یا اقتصاد مبتنی بر پول‌های خرد و غیر تورم‌زا در واقع همان اقتصادهای متکی به پول‌های خرد مردم هستند که به‌صورت طولانی‌مدت در پروژه‌های ملی و زیرساختی سرمایه‌گذاری می‌شوند و در عین سودآوری برای بیمه‌گذاران جلوی سوداگری را نیز می‌گیرد و اقتصاد را به سمت جلو پیش می‌برد.

مشعلچی فیروزآبادی همچنین بیمه را در تمیز کردن اقتصاد ملی مؤثر دانست و گفت: اگر بیمه به‌درستی نقش‌آفرینی کند و کنشگران صنعت بیمه نیز در جایگاه خود به ایفای نقش بپردازند علاوه بر بالابردن رشد اقتصادی نقش‌های کاذب را نیز در اقتصاد کشور کم‌رنگ می‌کنند.

قائم‌مقام بیمه مرکزی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با بیان اینکه تراز بیمه‌گری صنعت بیمه کشورمان قطعاً منفی است عنوان کرد: همه خیرگان و نخبگان صنعت بیمه بر سر تراز منفی بیمه‌گری در سال‌های اخیر متفق‌القول هستند.

راهکار بنزین‌گرانی نیست به مردم آدرس غلط ندهید

مهدی کوچک‌زاده



قابل اندازه‌گیری است؛ پس باید سهمیه را به هر فرد تخصیص داده تا میزان مصرف هم مشخص باشد.

بنابراین کسی که بنزین بیشتری مصرف می‌کند، هوا را نیز بیشتر آلوده خواهد کرد پس می‌توان برای آلوده‌سازی هوا و سایش جاده و نیز ترافیک مالیات در نظر گرفت.

وی درباره این پیشنهاد توضیح داد: در پایان هر روز، هفته، ماه یا سال اطلاعات هر خودرو در قالب یک فایل برای اداره مالیات فرستاده شده و مالیات آن دریافت شود.

بحث دیگر در نظر گرفتن قدرت مردم و معیشت آن‌ها قبل از هر تصمیمی است چون سرمایه ما در مسیر انقلاب اسلامی، مردم هستند و بدون آن‌ها به اهداف دست پیدا نمی‌کنیم.

کوچک‌زاده ظرفیت و امکان کشور را نیز یادآور شد و افزود: چرا بدون در نظر گیری ظرفیت تولید داخل، بنزین را توزیع می‌کنیم؟! ما باید برای مردم توضیح دهیم که در این صورت، آن‌ها نیز می‌پذیرند.

بنزین به سان نان و هوا نیست که اگر برای واردات اقدام نکنیم، مردم از زندگی ساقط شوند؛ پس واردات بنزین هم جای بحث دارد.

این عضو کمیسیون انرژی در بخشی دیگر از مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با اشاره به حجم‌های مصرفی گوناگون بنزین توسط افراد جامعه گفت: کسانی هستند که بنزین ماهانه خود را حتی مصرف نمی‌کنند و در مقابل افرادی هستند که دارای چندین خودرو بوده و بنزین را برای دورزدن‌های خیابانی استفاده می‌کنند.

کوچک‌زاده مدعی شد که میزان مصرف هر خودرو به راحتی

مهدی کوچک‌زاده در ارتباط تلفنی با برنامه رویداد درباره نگاه مجلس به مقوله بنزین - پس از سخنان رئیس‌جمهور - اظهار کرد: معضل بنزین صرفاً به قیمت باز نمی‌گردد و بحث بی‌عدالتی در یارانه و عدم تطابق درآمد و هزینه‌ها نیز وجود دارد و باعث می‌شود برای حل این معضل صرفاً به افزایش و تصحیح قیمت نگاه نکنیم.

وی با اشاره به مصرف بالا و ناترازی بنزین گفت: ابتدا باید دید سهمیه بندی به شکل کنونی صحیح است یا خیر؟ همچنین استفاده از کارت جایگاه‌ها جای بحث دارد که آیا این روش توزیع کار درستی است؟!

مسئله بعدی بحث قاچاق بنزین است و رئیس مجلس هم صراحتاً اعلام کرده روزی ۲۰ تا ۳۰ میلیون لیتر قاچاق می‌شود.

کوچک‌زاده با اشاره به لزوم مقابله با قاچاق بنزین درباره جایگزینی تخصیص بنزین به افراد به جای خودرو اظهار کرد: برخی صرفاً مسئله افزایش قیمت بنزین را مطرح می‌کنند و معتقدند این غلط‌ترین آدرسی است که می‌توان به مردم داد! در حالی که راه‌حلی وجود دارد که بدون دست زدن به قیمت بنزین، می‌توان هزینه دولت از منابع عمومی را برگشت داد.

این نماینده مجلس لزوم رعایت عدالت را گوشزد کرد و افزود: رهبری نیز تأکید کردند پیوست عدالت برای هر قانون الزامی است.

بهترین فیلم‌های ایرانی با موضوع جهان توان‌یاب‌ها

فاطمه پالیزوان

به بهانه‌ی گرامی‌داشت روز جهانی توان‌یاب‌ها، پنج فیلم دیدنی از کارگردانان ایرانی با انتخاب و مقدمه‌ی خانم فاطمه پالیزوان را بخوانید:

«جهان قلب‌های زلال»

چشم‌های خود را ببندید و زمانی را تصور کنید که در فضای سبز و زیبایی در حالی که به زیر سایه‌ی درختی پناه گرفته‌اید و رودخانه‌ای کنار شما آهسته و آرام در حال گذر است، صدای دلنشین، لذت‌بخش و بی‌وصفی را به قلب شما جاری می‌کند. خوب که نگاه می‌کنید، همه چیز از زیر آب رودخانه واضح است و مشخص. سنگ‌ها، حیوانات و حتی دستی که خودتان داخل آب شناور کرده‌اید. دهخدا، هر مایع صاف بی‌ذرد و روشن را «زلال» می‌خواند. رد زلالی آب رودخانه را که بگیریم و به زندگی انسان‌ها برسیم، در اطراف ما آدم‌هایی در حال نفس کشیدن هستند که قلب‌هایشان همانند این رودخانه، پاک است و زلال. درس محبت را نه تنها یاد گرفته‌اند بلکه سالیان دراز است که آموزش هم می‌دهند، ساده‌اند و درگیر پیچیدگی‌های دنیای امروز نمی‌شوند. به دنبال منفعتی نمی‌گردند و خواستار ضرر رساندن به کسی هم نیستند. در جهان آن‌ها نه جنگ مفهومی دارد و نه تحقیر و توهین و هر آن چه که زلالی قلب‌هایشان را به خطر بیندازد. درحالی‌که خودشان به اتهام متفاوت بودن اولین قربانی این تحقیرها هستند، اما به طرز شگفت‌آوری همیشه جاری‌اند و پخشند. ما انسان‌ها در هر جمعی که به ما شبیه‌اند و خو گرفته‌ایم، همانند اعضای یک پیکر، در برابر موجود ناشناخته و متفاوتی که از بیرون وارد می‌شود، شبیه گلبول‌های سفید از خودمان واکنش نشان می‌دهیم و شروع به مقابله می‌کنیم. چراکه تا آن موجود متفاوت را شناسیم و درک نکنیم، نه درکی از ضرر آن داریم و نه منفعت‌های آن.

فیلم‌هایی که در دنیا با موضوع توان‌یاب‌های عزیز، ساخته شده است در زمینه‌های مختلف جسمی، ذهنی، روانی و... دسته‌بندی می‌شوند؛ اما از بالا که نگاه می‌کنیم همه سعی در زدن حرفی واحد دارند:

انسان‌های متفاوت ساده و پاک هم، حقی برای زیستن دارند، حقی برای داشتن خانواده، حقی برای دریافت محبت و... آن‌ها مانند همه، استعداد‌های خفته‌ای دارند که گاهی یک معلم، یک مادر، یک پدر و یا حتی یک رفیق و دوست همراه می‌تواند با صرف اندکی زمان بیشتر در زندگی‌شان، آن‌ها را کشف و شکوفا کند و از آن‌ها قهرمانی برای داستان زندگی خودشان و حتی دیگران بسازد. آن وقت است که درسی تمام‌قد به همه‌ی اطرافیانی می‌دهند که با وجود سلامت کامل، به گرد پای آن‌ها هم نرسیده‌اند!

به مناسبت هفته‌ی توان‌یاب‌های عزیز، ما در این مطلب سعی داریم، به معرفی بهترین آثاری که توانسته‌اند آینه‌ی نماینگر این قلب‌ها باشند بپردازیم. باشد که بتوانیم به قلب‌های مهربانشان نزدیک‌تر شویم. در ایران «پوران درخشنده»، یکی از سردمداران ساخت فیلم با موضوع توان‌یابی است. برای آشنایی با پنج فیلم برتر ایرانی با ما همراه شوید:

۱. بچه‌های ابدی

فیلم با دست‌نوشته‌ای از پوران درخشنده کارگردان فیلم، شروع می‌شود: «تقدیم به همه‌ی آن‌هایی که کفش‌های کودکی‌شان،

هنوز اندازه‌ی پاهایشان است.» داستان از آن جایی شروع می‌شود که الهام حمیدی در نقش نگار، درست زمانی که تصمیم به ازدواج با شهاب حسینی در نقش ایمان را گرفته‌است، متوجه حضور برادری به اسم علی در خانواده‌ی ایمان می‌شود که شرایط ازدواج آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. علی که «سندرم دان» دارد، با آشنا شدن با خانواده‌ی نگار، موضوع یکی از شرط‌های ازدواج نگار و ایمان قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین سکانس‌های فیلم زمانی است که مادر ایمان در بیمارستان بستری شده و پدر نگار در یک شب بارانی که از جهت نورپردازی هم یکی از تارک‌ترین سکانس‌های این فیلم است، برای خوشبختی دخترش شرط می‌گذارد که ایمان، علی را به آسایشگاه ببرد. بعد از این ایمان میان دو راهی نگهداری برادر خود و ازدواجش با نگار گیر می‌کند و تصمیمی می‌گیرد که تا پایان داستان مخاطب را به تماشای تبعات آن تصمیم می‌نشانند. توصیه می‌کنیم به خاطر تماشای انتهای داستان و بازی زیبا و واقعی «علی احمدی‌فر» که در سال ۱۳۸۶ برنده‌ی پرنده‌ی زرین بهترین بازیگری در بیست و یکمین دوره‌ی جشنواره‌ی فیلم‌های کودکان و نوجوانان شد، دیدن این فیلم را از دست ندهید.

«پوران درخشنده»، سعی کرده است از طریق یک ماجرای درام عاشقانه، مشاوره‌ای به مخاطب بدهد که دنیای این کودکان را بهتر درک کرده و به رشد آن‌ها کمک کند.

این فیلم در سال ۱۳۸۵ توسط کشور ایران با مدت زمان ۱۱۰ دقیقه و در ژانر درام و خانوادگی ساخته شده است.

۲. رابطه

ناصر نوجوان پانزده ساله ناشنوا که در محیط اجتماعی و خانوادگی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد، گرفتار بحران روحی شده و حالت انزوا پیدا می‌کند. بعد رفته‌رفته نسبت به توانایی‌های خود شناخت پیدا می‌کند و به کمک خانواده و معلمش سعی می‌نماید بر مشکلات خود غلبه یافته و بحران روحی‌اش را رفع کند. به این طریق ناصر از انزوا خارج شده و رابطه‌ای عادی و منطقی با اطرافیان خود پیدا می‌کند. فیلم سینمایی «رابطه» به کارگردانی پوران درخشنده، در سال ۱۳۶۵ تولید شده است که اولین فیلم پوران درخشنده محسوب می‌شود. در این فیلم بازیگرانی چون پرویز پورحسینی، خسرو شکیبایی، پورانده مهدیمن، منیژه آقایی، شهرام شمس، علیرضا رضاییان و مهری ودادیان به ایفای نقش و بازیگری پرداخته‌اند.

۳. زمانی برای دوست داشتن

پوستر فیلم را که خوب نگاه کنید، بر خلاف پوسترهای معمول، شخصیت اصلی داستان در حاشیه‌ی مادرش فقط بخشی از بدنش مشخص شده است. این انتخاب هوشمندانه، نشان از اصل حرف داستان دارد. ماجرا از آن جا شروع می‌شود که پدری به نام محسن با شرایط کاری خوبی که در جنوب دارد، ناگهان به خاطر غیبت‌های طولانی خود از سر کار اخراج می‌شود و به اجبار باید برگردد به سر خانه و زندگی‌اش. محسن که این ماجرا را تقصیر پسر کوچک خودش به اسم بابک می‌داند، با بازگشت به خانه و دیدن تنش‌هایی که بابک با برادر خود افشین دارد و سختی‌هایی که به خاطر ناتوانی بابک به خانواده متحمل شده است، تصمیم

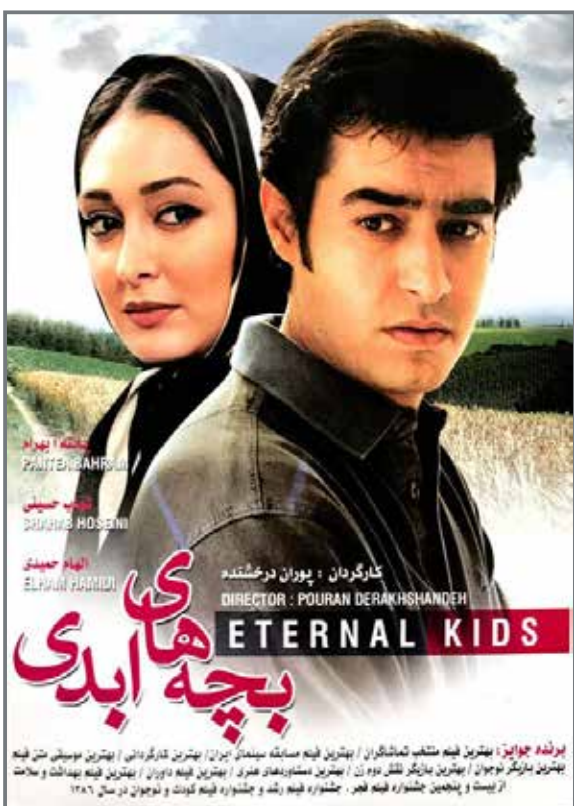
می‌گیرد بابک را به آسایشگاه معلولین کهریزک تحویل بدهد. اما مادر بابک مانع این کار می‌شود. بعد از این اتفاق، بابک به خاطر تمسخرهای دیگران و شرمندگی خانواده‌اش از وضعیت او، سعی می‌کند در زمان برگزاری جمع‌های خانوادگی و مهمانی‌ها به اتاق خود برود تا حس بدی به پدر و برادرش منتقل نشود. زندگی بابک با دیدن مجید که زمان تولد برادرش افشین به صورت اتفاقی بابک را دیده و با او رفاقتی را شروع می‌کند، عوض می‌شود.

در این فیلم که در سال ۱۳۸۶ توسط «ابراهیم فروزش» ساخته شده‌است، بازیگرانی همچون «محسن تنابنده»، «نگین صدق‌گویا» و «بهناز جعفری» نقش‌آفرینی کرده‌اند. «علی شادمان» نیز در این فیلم با بازی فوق‌العاده‌ی خود توانسته است همانند تجربه‌ی موفق دیگرش در «میم مثل مادر»، خوش بدرخشد و در سکانس‌های مختلف فیلم، آنچنان در جان مخاطب نفوذ کند که باعث جاری شدن اشک‌هایشان به صورت ناخودآگاه شود. این فیلم در ژانر خانوادگی و درام ساخته شده است و مناسب تماشای افرادی با سن بالای ۱۵ سال است.

فیلم «زمانی برای دوست داشتن» در عرصه‌های بین‌المللی جوایز متعددی کسب نموده است؛ به طور مثال دو جایزه از جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان المپیا دریافت کرده است. (بهینت داوران این جشنواره، جایزه‌ی بهترین فیلم را به دلیل نمایش داستانی دربار‌ی تبعیض، به این فیلم اهدا کرد. همچنین جایزه‌ی بهترین بازیگر نوجوان به دلیل بازی درخشان علی شادمان که بیشترین مشارکت را در انتقال پیام قدرتمند داشته به این بازیگر اهدا شد.) جایزه‌ی ویژه‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم «بیونگ بانگ» جایزه‌ی بهترین فیلم جشنواره‌ی آرت آمفورا در بلغارستان، جایزه‌ی بخش بالای ۱۰ سال در سی و نهمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم جیفونی، جایزه‌ی بهترین فیلم بلند در ششمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم بنیاد ارتقای محصولات سینمایی و تلویزیونی کودکان و نوجوانان رولان باکوف ارمنستان از دیگر عناوین جوایز اهدائی اثر ابراهیم فروزش است.

۴. پرنده‌ی کوچک خوشبختی

اثر «پوران درخشنده»، در سال ۱۳۶۶ با ژانر درام و خانوادگی و بالای ۱۵ سال ساخته شده است. این داستان از مدرسه شروع می‌شود، آن جا که معلم نقاشی و متخصص امور تربیتی برای اولین بار وارد مدرسه‌ی ناشنوایان شده و با صحنه‌ی خودکشی ناموفق یک دختر از بالکن مواجه می‌شود. نام این دختر ملیحه است که بر اثر ضربه‌ی روحی‌ای که در کودکی در اثر آتش‌سوزی اتفاق افتاده است، قدرت تکلمش را از دست می‌دهد و با یادآوری گذشته دچار تشنج عصبی می‌شود. آزار بچه‌های دیگری که در مدرسه حضور دارند، پرخاشگری او را تشدید می‌کند. تا آن جا که مسئولان آموزشگاه ناشنوایان تصمیم به اخراج او می‌گیرند، اما با تقاضای خانم شفیق، معلم نقاشی و همراهی‌هایش اتفاقات متفاوتی برای ملیحه رقم می‌خورد. این فیلم از جهت تأثیراتی که معلمان در شکوفایی استعداد‌های افراد توان‌یاب دارد، شبیه فیلم مشهور هندی «ستاره‌ها روی زمین» است. این فیلم در سال ۱۳۶۶ در ژانر درام و خانوادگی ساخته شده است که «عطیه معصومی»، «امین تارخ»، «هما روستا»، «جمیله شیخی» و... نقش‌آفرینی کرده‌اند.



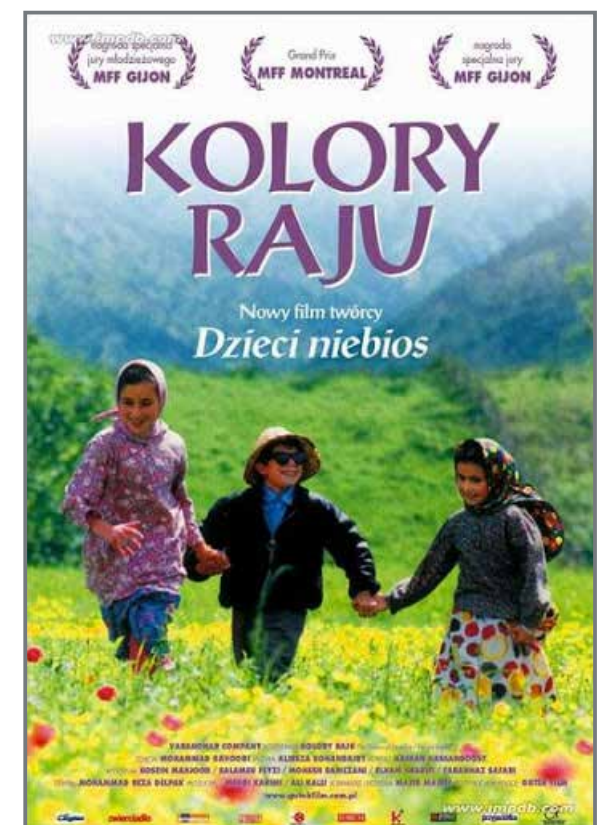
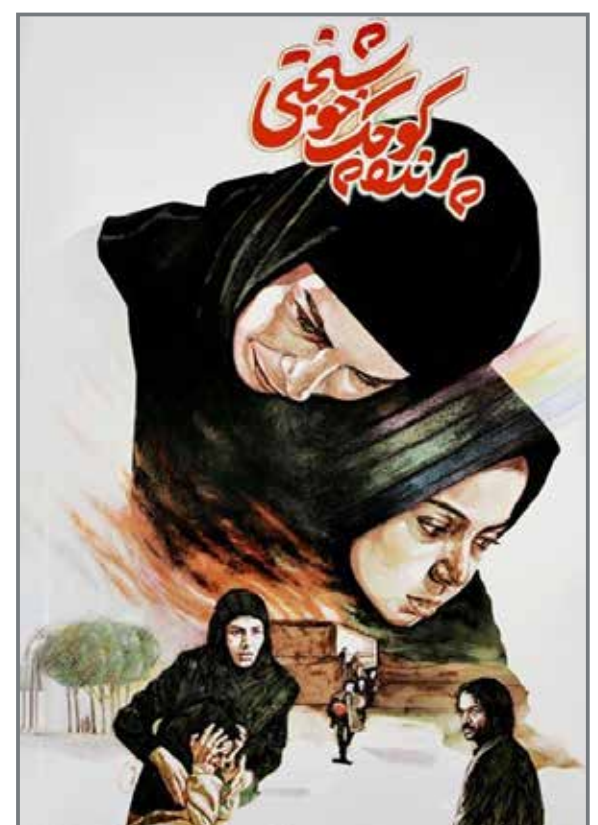
۵. رنگ خدا

این فیلم با شعری زیبا در تیتراژ ابتدایی شروع می‌شود:

«ای تو پیدا و ای تو پنهانم
جز تو یاری دگر نمی‌خواهم
جز تو نامی دگر نمی‌خوانم»

این فیلم به کارگردانی «مجید مجیدی» در سال ۱۳۷۶ در ۹۰ دقیقه ساخته شده است و در ژانر خانوادگی و درام است و برای تماشای افراد با سن بالای ۱۵ سال توصیه می‌شود. نگاه حسین محجوب از بازیگران این فیلم است. داستان از آن جایی شروع می‌شود که محمد دانش آموز هشت ساله‌ای که در مدرسه‌ی نابینایان تهران درس می‌خواند و پس از یک سال همراه پدر به زادگاهش، روستایی در ارتفاعات شمال و نزد مادر بزرگ و دو خواهر خردسالش باز می‌گردد. این بازگشت، مکاشفه‌ی او در طبیعت و هستی است. مکاشفه‌ای که پدر از آن غافل است. حسین محجوب، محسن رضانی، سلمه فیضی، الهام شریفی، فرحناز صفری، بهزاد رفیعی، محمد رحمانی آشتیانی، مرتضی فاطمی، کمال میرکریمی، معصومه زبنتی و... از بازیگرانی هستند که در این فیلم نقش‌آفرینی کرده‌اند.

از آن جا که بعضی از موضوعاتی که بشر با آن رو به روست قدمتش به اول تاریخ برمی‌گردد و تا آخرین روزی که در این دنیا حضور دارد هم ادامه دارد، و از آن جایی که قبل‌ترها این موضوع بیشتر سوژه‌ی کارگردان‌ها قرار می‌گرفته است، امید داریم در سال‌های آینده دوباره، شاهد ساخت چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران باشیم تا منجر به آگاهی بیشتر مردم نسبت به شرایط زندگی توان‌یاب‌ها شود.



اکران آنلاین به پیشواز بلیت ۱۰۰ هزار تومانی رفت!

مصطفی قاسمیان

کمتر از ۱۱ ماه بعد از آخرین مرتبه‌ای که بهای بلیت اکران آنلاین پلتفرم‌های وی‌اودی افزایش یافت، «تگزاس ۳» و «ملاقات با جادوگر» دو فیلم جدیدی که در فیلمو و فیلم‌نت به اکران آنلاین رسیده، برای نخستین بار با بهای بلیت ۱۰۰ هزار تومانی اکران شده‌اند.

این در حالی است که بلیت اکران آنلاین به طور معمول همزمان با بلیت اکران روی پرده گران

می‌شود، اما در این مورد، نه بهای بلیت سینما افزایش یافته و نه حتی خبری از پیشنهاد رسمی شورای صنفی نمایش برای افزایش قیمت بلیت سینماها به سازمان سینمایی وجود دارد! در شرایطی که به تازگی اظهارنظرهایی درباره لزوم افزایش قیمت بلیت از سوی همایون اسعدیان دبیر شورای صنفی نمایش و علی سرتیپی تهیه‌کننده متنفذ سینما منتشر شده، پیشواز

بلیت ۱۰۰ هزار تومانی اکران آنلاین در پلتفرم‌ها قابل تأمل است. روشن نیست آیا شورای صنفی نمایش در سکوت خبری به گران شدن بهای بلیت اکران آنلاین رأی داده یا پلتفرم‌ها این اقدام را بدون موافقت این شورا انجام داده‌اند. جالب آن که در میان ۳ فیلم در حال اکران پلتفرم فیلم‌نت، تنها «ملاقات با جادوگر» با بلیت ۱۰۰ هزار تومانی به نمایش درآمده و این افزایش

قیمت هنوز به بلیت دو فیلم دیگر تسری پیدا نکرده. در پلتفرم فیلمو نیز فقط فیلم «تگزاس ۳» بلیت ۱۰۰ هزار تومانی دارد و فیلم دیگر این سرویس با همان بلیت ۸۰ هزار تومانی سابق نمایش داده می‌شود. با این حال، تنها فیلم «پدران» پردیس آنلاین نماوا با بلیت ۶۰ هزار تومانی (ارزان‌تر از بلیت سینما) در حال نمایش است.





درباره مظلومیت قانون حجاب

محسن مهدیان

واقعا باید درباره مظلومیت قانون حجاب نوشت؛ آنهم در جامعه‌ای که اکثریت مردم متدین و معتقد به رعایت احکام عقلی و شرعی‌اند. در مجموع نطرسنجی‌های نهادهای معتبر، وقتی از مردم درباره ضرورت حجاب سوال می‌شود، اکثریت مطلق معتقد به حجاب هستند ولو شخصا آنرا کامل رعایت نکنند. چنانچه اگر مکشفه‌ها نیز بدانند پشت پرده بی‌حجابی چه اهریمن و خیانتی نشست‌اند بدون تردید در نوع پوشش خود تجدید نظر می‌کنند. با این حال دردناک نیست که باید برای مظلومیت قانون حجاب نوشت!

قانونی که حداقل سه سال روی آن کار کارشناسی شده و میان سه قوه چندین بار رفت و برگشت شده‌است، امروز متهتم به موضوعاتی می‌شود که اساسا نسبتی به آنها ندارد. عجیب نیست؟ یعنی مخالفین حتی حاضر نیستند به متن نزدیک شوند. چرا؟ چون نفع نهایی‌شان در توزیع جهل نسبت به قانون است و نه روشننگری. حقیقتا ظلم است. مخالفان قانون حجاب، به این سوال ساده چه جوابی دارند که اگر قانون نه، پس چه؟ آیا حجاب اهمیت ندارد؟ آیا ضرورت دین نیست؟ آیا فرهنگ جامعه ایرانی نیست؟ آیا منطق عقلی روشن و بین ندارد؟ آیا مطالبه اکثریت نیست؟ آیا بی‌حجابی پروژه آشکار دشمن نیست؟ اگر پاسخ مثبت است آیا وجود قانون ضرورت ندارد؟ اگر نه پس چه؟ یعنی از هرج و مرج دفاع می‌کنید؟ یعنی پاسخ به این سوال ساده انقدر سخت است؟

کافیست در ادبیات مخالفان قانون حجاب دقیق شوید. هیچ اشاره‌ای به جزئیات قانون حجاب نمی‌شود. فقط می‌گویند نه. خب چرا؟ چه چیز در این قانون شما را آزار می‌دهد؟ اینکه گشت ارشاد جمع شده است؟ اینکه برخورد سلبی و خشن وجود ندارد؟ اینکه با سلب‌ریتی‌های قانون شکن برخورد می‌شود؟ اینکه تبعیض در برخورد وجود ندارد؟ اینکه عدم فعل مسئولین پیگیری می‌شود؟ اینکه اقدامات ایجابی چندین برابر اقدامات سلبی است؟ اینکه با دانه درشت‌های متخلف مضاعف برخورد می‌شود؟ دقیقا کدام بخش این قانون خلاف عقل و منطق است؟ چرا روشن نمی‌کنند؟

همان جمله اول متن؛ حقیقتا باید در مظلومیت حجاب و قانونش گریست. طرف مخالف است اما خودش هم نمی‌داند چرا و چگونه مخالف است. حجابی که مطالبه اکثریت جامعه است امروز در ماریپیچ سکوت شبکه‌های اجتماعی گرفتار انفعال رسانه‌ها و خواص و حتی مسئولین و مراکز علمی و دینی شده است.

این قانون وحی منزل نیست. حتما هم مثل هر قانون بشری دیگر ایراد و اشکال دارد. اما این قانون خروجی ساعت‌ها و ماه‌ها کار کارشناسی است. دارای نقاط ممتاز قابل اعتنا است. رافع مشکلات جدی نهادی و قانونی در توجه به فرهنگ عفاف و حجاب است. پس چرا نباید از آن دفاع کرد؟ آیا غیر از اینست که شکستن ماریپیچ سکوت هزینه دارد؟ در نهایت اینکه قانون حجاب بزرگناه وفاق است؛ به چند دلیل.

۱. برخلاف بسیاری از امور برآمده از نقاط مشترک اعتقادی و گرایشی است. هم شرع و هم فرهنگ جامعه ایرانی و هم قانون اساسی و هم عقلانیت.

۲. این قانون خروجی نظام کارشناسی کشور است. هم اجماع نهادهای کارشناسی را دارد و هم سران قوا. این قانون برای نزدیکی نظرات کارشناسی بارها میان قوا رفت و برگشت داشته است.

۳. اینکه قانون حجاب پاسخ به یک مطالبه عمیق مردمی است. به سروصداهای آزاردهنده سیاسی توجه نکنیم. مردم ما از بن دندان و عمق وجود مومن و معتقد به فرهنگ دینی و ایرانی‌اند.

۴. این قانون نقطه مقابل دشمنی‌های مشترک است. دشمنی مشترک خودش وفاق ساز است. امروز بیش از هر کس ضدانقلاب از اجرای این قانون عصبانی است. دشمنی که سالهاست به دنبال بی‌حجابی اجباری است و حجاب را ابزار مبارزه سیاسی قرار داده است. این قانون دشمن را هم خلع سلاح می‌کند.

۵. در نهایت اینکه این قانون پاسخ به یک مطالبه عمومی در نقد روش‌های گذشته است.

مخالفان اجرای این قانون حاضر نیستند به متن قانون نزدیک شوند و آن را بخوانند. چرا؟ چون بهم زنده بازار مکاره اتهام زنی و موج سواری‌های سیاسی است. یک تلقی هیجانی وجود دارد که قانونمندی حجاب یعنی گشت ارشاد و عده ای نفعشان در این است که این تلقی منفی همچنان در افکار عمومی باقی بماند. لذا با اصل روشننگری درباره قانون مخالفند و حتی دروغ‌های آشکار درباره قانون می‌بافند. ماریپیچ سکوت را بشکنیم و اجازه ندهیم اقلیتی بی‌منطق با نفی قانونمندی بر اکثریت بر آشوبند و مروج دیکتاتوری و بی‌حجابی اجباری شوند.

چگونه فضای سایبری می‌تواند تهدیدی مرگبار برای کودکان باشد؟ بازی با بمب

محمد مهدی سیدناصری



اطلاعات شخصی از کودکان زیر ۱۳ سال در فضای آنلاین محدودیت‌هایی وضع کرده است. همچنین، بسیاری از ایالت‌ها قوانینی جهت جلوگیری از آزار و اذیت آنلاین دارند و پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی موظف به نظارت دقیق‌تر بر محتوا و کاربران خود هستند.

– اتحادیه‌ی اروپا؛ اتحادیه‌ی اروپا نیز در راستای حفاظت از کودکان در فضای دیجیتال گام‌های مهمی برداشته است. یکی از اقدامات برجسته، تصویب (General Data Protection Regulation) GDPR است که شامل محافظت از داده‌های کودکان و محدودیت‌هایی در خصوص جمع‌آوری داده‌های شخصی از کاربران زیر ۱۶ سال می‌شود. در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه، پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی موظف به اعمال محدودیت‌هایی برای ورود کودکان به این فضا هستند.

– انگلستان؛ در کشور انگلستان، The Online Safety Bill که در سال ۲۰۲۳ میلادی به تصویب رسید، قوانین سختگیرانه‌ای جهت نظارت بر محتوای آنلاین به ویژه برای کودکان و نوجوانان وضع کرده است. این قوانین پلتفرم‌های آنلاین را موظف به پیاده‌سازی تدابیر حفاظتی برای جلوگیری از دسترسی کودکان به محتوای مضر می‌کند.

حالا باید دید که وضعیت ایران در برابر تهدیدات فضای مجازی چگونه است؛ در ایران، مسئله‌ی نظارت بر حضور کودکان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچنان چالش برانگیز است. در حالی که قوانین متعددی برای نظارت بر اینترنت وجود دارد، محدودیت‌های فعلی برای حضور کودکان در شبکه‌های اجتماعی به طور مشخص و جامع اعمال نشده است.

– نظارت والدین و محدودیت‌های قانونی؛ در ایران، مسئولیت نظارت بر استفاده از اینترنت بیشتر به عهده والدین است و قوانین خاصی جهت کنترل محتوا در شبکه‌های اجتماعی برای کودکان وجود ندارد. با این حال، در سال‌های اخیر، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران برخی اقدامات را برای نظارت بر فضای مجازی انجام داده است، اما این اقدامات هنوز کافی نیست.

– موانع فرهنگی و اجتماعی؛ یکی از چالش‌های اصلی در ایران، به‌ویژه برای کودکان، را با مشکل مواجه کرده است. برخی از خانواده‌ها از ترس آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، از استفاده کودکان از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند، در حالی که گروهی دیگر از این فضا به‌عنوان ابزاری برای پیشرفت آموزشی بهره می‌برند.

به نظر تان برای صیانت از حقوق کودکان در فضای مجازی چه پیشنهادهایی را می‌توان برای بهبود وضعیت ارائه کرد؟

۱- ایجاد قوانین کامل و جامع‌تر: ایران می‌بایست قوانینی مشابه با

حضور کودکان در شبکه‌های اجتماعی به یکی از مباحث پرچالش در دنیای دیجیتال امروز در جهان تبدیل شده است. باتوجه به خطرات متعدد موجود در فضای مجازی، از جمله تهدیدات روانی، اجتماعی و حتی جسمی، برخی کشورهای توسعه‌یافته قوانینی برای محدود کردن یا ممنوعیت حضور کودکان در این فضا وضع کرده‌اند. با گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، کودکانی که از سنین پایین به این فضا وارد می‌شوند، با تهدیدات و چالش‌های جدی روبه‌رو هستند. در سال‌های اخیر، تهدیدات مرتبط با فضای دیجیتال مختلف برای کودکان به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی مانند تهدیدات روانی، فیزیکی و اجتماعی، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. این تهدیدات به قدری شدید هستند که برخی کشورهای اقدام به اعمال محدودیت‌هایی برای حضور کودکان در این فضا کرده‌اند. حضور کودکان در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به تهدیدات مختلفی منجر شود که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- آزار و اذیت آنلاین (Cyberbullying)؛ آزار و اذیت آنلاین یکی از مهم‌ترین خطرات حضور کودکان در فضای مجازی است. مطابق با تحقیقی جدید که توسط دانشگاه آکسفورد منتشر شده، کودکان و نوجوانان که در معرض آزار آنلاین قرار می‌گیرند، ممکن است با مشکلات روانی چون اضطراب، افسردگی و حتی اقدام به خودکشی روبه‌رو شوند. این تهدید به‌ویژه در پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی به دلیل ناشناس بودن هویت افراد، تشدید می‌شود.

۲- دسترسی به محتوای نامناسب؛ یکی دیگر از تهدیدات جدی برای کودکان در شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به محتوای نامناسب است. این محتوا می‌تواند شامل تصاویر یا ویدیوهای خشونت‌آمیز، پورنوگرافی، و تبلیغات مواد مخدر باشد. تحقیقات نشان داده‌اند که دسترسی به این نوع محتوا می‌تواند تأثیرات منفی بلندمدتی بر رشد روانی و اجتماعی کودکان بگذارد.

۳- اعتیاد به اینترنت و بازی‌های آنلاین؛ بسیاری از کودکان به دلیل جذابیت‌های شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های آنلاین، زمان زیادی را در این فضا صرف می‌کنند. این امر می‌تواند به اعتیاد به اینترنت منجر شود و باعث کاهش تعاملات اجتماعی واقعی، افت تحصیلی و مشکلات جسمی همچون چاقی و مشکلات بینایی شود.

در اینجا لازم است تا با یک مطالعه تطبیقی در کشورهای توسعه‌یافته در برابر تهدیدات فضای مجازی برای کودکان بپردازیم؛

– ایالات متحده آمریکا؛ در ایالات متحده، چندین قانون جهت محدود کردن دسترسی کودکان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این قوانین COPPA (Children's Online Privacy Protection Act) است که از سال ۱۹۹۸ میلادی به تصویب رسیده و بر جمع‌آوری

بنی آدم اعضای یک پیکرند! فرقی نمی‌کند سیل و زلزله باشد یا کرونا؛ وقتی عده‌ای از مردم دچار مشکل و درد شوند، ایرانیان بی‌تفاوت نیستند، به میدان می‌آیند و در حد توان خود سعی می‌کنند گامی بردارند و مرهمی بر زخم آن‌ها بگذارند. مال امروز دنیوی هم نیست؛ هشت سال دفاع مقدس، یکی از نمونه‌های بارز این مشارکت مردمی و همدلی اجتماعی است. دانش‌آموزهای دهه‌ی ۶۰ هنوز فلک‌های پلاستیکی کمک به جبهه را فراموش نکرده‌اند؛ فلک‌هایی که سعی می‌شد با پول توجیبی‌های اندک آن دوره پر شود. آن فلک‌ها، در برابر هزینه‌ی گزاف درد و زخم ناشی از جنگ تحمیلی، شاید چندان بزرگ نبود؛ اما فارغ از اثرگذاری مادی آن‌ها، یک کارکرد بسیار مهم و ماندگار داشت: به کودکان یاد می‌داد که درد و رنج دیگران درد و رنج ما نیز هست و این کشور برای همه‌ی ما است و ما اعضای یک پیکریم، چه در شادی‌ها و سُورور و چه در مصائب و مشکلات.

■ **سوار یک قایق**

زمان گذشت و گذشت و یاد گرفتیم که سرنوشت ما و درد و رنج و شادی ما فراتر از مرزها است؛ درد و رنج دیگر مسلمانان قلب ما را نیز می‌فشارد که همه، در نهایت، سوار بر یک قایقیم و دشمنی مشترک داریم. روزگار به ما آموخت که سرنوشت ما فراتر از مرزهای جغرافیایی است و اگر کسی گمان کند وقتی بیت‌المقدس و بیروت و دمشق در تبوتاب و آتش باشند تهران و تبریز و اصفهان در آرامشی پایدار خواهند بود، در خوشبینانه‌ترین حالت، خیال خامی بیش نیست. ماجرا از هفتم مهرماه شروع شد؛ وقتی رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت حملات سنگین رژیم صهیونیستی به لبنان تأکید کردند: «بر همه‌ی مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب‌الله سرفراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث، آن را یاری کنند.»

■ **ایران همدل؛ گام چهارم**

پنج روز پس از این پیام بود که مرحله‌ی چهارم پوشش «ایران همدل» برای کمک به مردم مظلوم لبنان و غزه به طور رسمی کار خود را آغاز کرد. پوششی که در اطلاعیه‌ی آغاز به‌کار آن آمده است: «در پی تهاجم وحشیانه‌ی رژیم صهیونیستی به شهرها و

یک ایران همدل؛ پوششی که دوستان مقاومت را شاد و دشمنان را خشمگین کرد



کارگران نیز به این پوشش پیوسته‌اند.»

■ **همدلی طلایی**

کمک زنان ایرانی به این پوشش که در قالب اهدای طلا انجام شد، یکی از صفحات درخشان و افتخارآمیز حضور زن ایرانی در صحنه است. هزاران زن در جای‌جای کشور به این حرکت پیوستند و قطعات خرد و کوچک طلا تا سرویس‌های چشمگیری حتی با قیمت میلیاردری را اهدا کردند تا جلوه‌ی واقعی «زن ایرانی» را در میان غوغا و هیاهوی دشمنان برای تحریف واقعیت‌ها به نمایش بگذارند.

■ **شادی دوستان و خشم دشمنان**

رسیدن کمک‌های مردم ایران به لبنان و غزه موجی از شادی را در میان این مردم مظلوم و جنگ‌زده ایجاد کرد و نشان داد ایران و ایرانیان، در مواقع سختی، دوستان خود را فراموش نمی‌کنند. پیوندهای ایران با منطقه، بیش و پیش از هر چیز، از همین جنس مردمی و فرارسمی است. این دست پیوندها پایدارتر بوده و در برابر رفت‌وآمد دولت‌ها و تغییر چهره‌ها دست‌خوش تلاطم و تضعیف نمی‌شود. پوشش «ایران همدل» همان قدر که باعث همدلی و مودت بیشتر میان ایرانیان و مردم مظلوم غزه و لبنان شد، به موازات آن، عصبانیت و خشم بدخواهان مقاومت را برانگیخت؛ دشمنانی که در این مسیر، برای تحریف و تضعیف این حرکت، اقدام به دروغ‌پراکنی، ایجاد شبهات بی‌اساس و سم‌پاشی‌های گوناگونی کردند تا به خیال خود، مانع از گسترش این روحیه‌ی مؤمنانه و انسان‌دوستانه شوند. البته که در این راه توفیقی نیافتند و نخواهند یافت. (خط حزب‌الله)

روستاهاى فلسطين در نوار غزه و شهادت ده‌ها هزار نفر از مردم بی‌گناه این منطقه و تخریب جدی زیرساخت‌های شهری و منازل مسکونی و از بین رفتن معیشت مردم غزه در یک سال اخیر و همچنین تخریب منازل و ساختمان‌های مردم در جنوب لبنان و شهادت جمع زیادی از مردم بی‌گناه و خسارت‌های گسترده به آن‌ها، در لیبیک به ندای رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر کمک و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان، چهارمین مرحله‌ی پوشش مردمی «ایران همدل» به منظور جمع‌آوری مشارکت‌های نقدی هم‌وطنان عزیز برای کمک به مردم مظلوم فلسطین و لبنان آغاز به کار کرد.

در این مرحله نیز همانند سه دوره‌ی قبل، همه‌ی کمک‌های مردمی واریزی به حساب پوشش، توسط جمعیت هلال‌احمر و گروه‌های مردمی فعال در این حوزه برای رفع نیازهای ضروری و حیاتی مردم مظلوم فلسطین و لبنان هزینه می‌شود. پوشش «ایران همدل» بزرگ‌ترین حرکت جمعی و مردمی برای مواسات و کمک مؤمنانه است که از سال ۱۳۹۸ و پس از بیانات رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر شکل‌گیری نهضت تعاون و احسان و کمک مؤمنانه، در کشور آغاز به کار کرد.

■ **همه‌ی سلیقه‌ها**

پوشش «ایران همدل» حرکتی بود که هرچه گذشت، بزرگ و بزرگ‌تر شد و مردم استقبال بیشتری از آن کردند. دبیر این پوشش درباره‌ی استقبال مردمی از آن می‌گوید: «قدران محبت و بزرگواری مردمی هستیم که پای آرمان مقاومت، فلسطین و حزب‌الله لبنان ایستاده‌اند. از نظر مشارکت، همه‌ی طیف‌ها، سلیقه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی ایرانیان، به وسعت جغرافیایی کشور، در پوشش «ایران همدل» حضور داشتند؛ از اهدای طلا و جواهرات خانم‌های ایرانی در صف‌های طولانی برای کمک به مردم لبنان و فلسطین تا کلاه‌بافی، شال‌بافی و فروش فیث حنّ عمرة و تمتع تا فلک‌های دانش‌آموزان و فروش کل محصولات کشاورزی به دست کشاورزان یا اهدای خانه و منزل، مغازه، خودرو و حتی تراکتور کشاورزان، همه‌ی این‌ها نمونه‌هایی از مشارکت مردم ایران در پوشش «ایران همدل» است. در میان کمک‌ها، برخی عروسک و اسباب‌بازی هدیه دادند و بعضی کارمندان هم بخشی از حقوق خود را پرداخت کرده‌اند و حتی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۵۲۱۸ | آگهی ها: ۰۹۹۳۳۱۴۲۱۳۴
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



بازی با بامب

در سال‌های اخیر، تهدیدات مرتبط با فضای دیجیتال برای کودکان به ویژه در شبکه‌های اجتماعی مانند تهدیدات روانی، فیزیکی و اجتماعی، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. این تهدیدات به قدری شدید هستند که برخی کشورها اقدام به اعمال محدودیت‌هایی برای حضور کودکان در این فضا کرده‌اند.

بهترین فیلم‌های ایرانی با موضوع جهان توان یاب‌ها

حسین محجوب از بازیگران این فیلم است. داستان از آن جایی شروع می‌شود که محمد دانش آموز هشت ساله‌ای که در مدرسه نابینایان تهران درس می‌خواند و پس از یک سال همراه پدر به زادگاهش، روستایی در ارتفاعات شمال و نزد مادر بزرگ و دو خواهر خردسالش باز می‌گردد.



بدان اگر خدا بخواهد...
کارهای نشدنی، شدنی می‌شود
(نمونه هود آیه ۷۲)



امان از چسبیده‌های به ورزش

فریدون حسن



این روزها که بازار برگزاری نشست‌های تخصصی در فدراسیون‌ها و برگزاری مجامع عمومی ورزش داغ‌داغ است، یکی هست که بدون داشتن هیچ سمتی در ورزش کشور در تمام جلسات حضور دارد و اتفاقاً آن بالا بالا هم می‌نشیند. یکی که در تمام قاب عکس‌های پایانی این جلسات حضور دارد، آن هم در صف جلو، نه آن ردیف آخر! می‌گویند در شورای معاونین نیستم و به عنوان مشاور کنار آقای دنیامالی حضور دارم. بالاخره تجربه ۴۰ ساله‌ای دارم و نکته جالب این است که کسی هم نمی‌پرسد این جناب داورزنی با این سابقه به قول خودشان ۴۰ ساله چه گلی به سر ورزش کشور زده که اینگونه از سوابقش تعریف و تمجید می‌کند. امثال چنین مدیرانی در ورزش ایران کم نیستند، مگر همین حالا خبر نمی‌رسد که خداداد افشاریان باز هم در فدراسیون فوتبال رؤیت شده است! می‌گویند برای کار اداری رفته، اما اگر بشنویم که پستی گرفته، اصلاً نباید تعجب کنیم. حکایت این قبیل آدم‌ها در ورزش، حکایت همان‌هایی است که از در بیرونشان می‌کنند و از پنجره وارد می‌شوند. با حضور احمد دنیامالی در وزارت ورزش و نوع نگرش او به مدیریت ورزش کشور این امید زنده شد که در دوران جدید پای آدم‌های تکراری و امتحان پس‌داده از عرصه مدیریت ورزش کشور بریده شود، اما ظاهراً قرار نیست این اتفاق بیفتد و در همچنان روی همان پاشنه می‌چرخد. ثمره حضور این آدم‌ها در ورزش کشور مثل روز روشن و پیش چشم همگان است، اما این چسبیده‌های جدا نشدنی ورزش ظاهراً جای دیگری ندارند که بروند، پس کجا بهتر از ورزش. جالب اینکه با هر سلیقه و مسلک سیاسی هم کنار می‌آیند، یعنی اصلاً مهم نیست که کدام جناح سیاسی سر کار باشد یا وزیر ورزش چه مسلکی داشته باشد، برای این قبیل آدم‌ها مهم این است که جلوی چشم باشند، جایی که خیلی خوب دیده شوند، جایی که به همه بگویند ما هستیم.

عنوان قهرمانی و نایب قهرمانی دو ۳۰۰۰ متر به ایران رسید



مهران سرفراز و حسین صداقت عنوان قهرمانی و نایب قهرمانی رقابت‌های دو ۳۰۰۰ متر بازی‌های آسیایی ناشنوایان را به خود اختصاص دادند. در ادامه رقابت‌های روز هفتم دهمین دوره بازی‌های آسیایی ناشنوایان و در دوومیدانی، دیروز (جمعه ۱۶ آذر) مهران سرفراز در دو ۳۰۰۰ متر به عنوان قهرمانی دست یافت. در همین ماده حسین صداقت هم در رده دوم ایستاد. بدین ترتیب مدال طلا و نقره دو ۳۰۰۰ متر از آن دوومیدانی ایران شد.

زهرا چهره عالم تاریخ ساز شد



مهران سرفراز به مدال برنز دست پیدا کرد. دو ملی پوش دوومیدانی ایران در ماده ۵ هزار متر به دو مدال برنز در بازی‌های آسیایی ناشنوایان دست پیدا کردند.

تیم ملی کشتی فرنگی ناشنوایان ایران قهرمان آسیا شد

در ادامه رقابت‌های کشتی فرنگی دهمین دوره بازی‌های آسیایی ناشنوایان که در مالزی جریان دارد، ملی پوشان کشورمان با کسب ۵ مدال طلا، ۲ نقره و ۲ برنز، به عنوان قهرمانی آسیا در بخش تیمی دست پیدا کردند.

امیدواران به صعود!

دنیاحیدری



در پی نتایج کسب شده در هفته ششم، پرسپولیس به واسطه کسب نخستین برد شش امتیازی و ساکن خانه ششم جدول رده‌بندی و استقلال هم با دومین تساوی آسیایی پنج امتیازی و تیم هشتم جدول شد. هرچند استقلال برخلاف پرسپولیس که به واسطه نخستین برد در جدول رده‌بندی صعود کرد، سقوطی چندپله‌ای را تجربه کرد، اما حالا هر دو تیم اندک شانس برای صعود دارند. پرسپولیس در صورت کسب برتری مقابل النصر و الهلال می‌تواند با ۱۲ امتیاز بالاتر از السد و الوصل به عنوان تیم چهارم صعود کند، اما بی‌شک برتری مقابل این دو تیم با توجه به عملکرد سرخپوشان در شش بازی پشت سر گذاشته شده، محتمل نیست. پرسپولیس، اما در صورت کسب چهار امتیاز هم می‌تواند بنا بر معادلات جدول راهی مرحله بعد شود.

اوضاع استقلال، اما در ادامه اندکی ساده‌تر از سرخپوشان است. شاگردان موسیسمانه مضاف با شرایط و الریان را در پیش دارند که در صورت کسب برتری در این دو بازی می‌توانند صعود خود را با ۱۱ امتیاز به مرحله بعد ممکن سازند. مسئله دیگری که معادله صعود استقلال را ساده‌تر می‌کند اینکه آبی‌پوشان برای صعود نیازی به نتیجه دیگر تیم‌ها ندارند و کسب نتیجه مقابل حریفان مستقیم تکلیف صعود آنها را مشخص خواهد کرد که این کار را برای این تیم راحت‌تر می‌کند. البته به شرط آنکه موسیسمانه و شاگردانش قدر فرصتی را که پیش‌رو دارند، بدانند.

شاگردان موسیسمانه در مصاف با الاهلی، صدرنشین عربستانی لیگ نخنگان به خوبی دریافتند که کسب امتیاز در آسیا چندان هم سخت نیست. ماجراجویی شاگردان موسیسمانه در همان نیمه نخست آغاز شد و درست بعد از آنکه ضربه سر مراهمند با شوت سربز رافائل سیلوا راهی دروازه ادوارد مندی شد، آبی‌پوشان دریافتند که خروج از بحران آسیایی آنقدرها هم سخت و غیرممکن نیست و همین خودباوری بود که باعث شد با وجود صحنه‌های مشکوک و بحث‌های داوری، استقلال با تساوی ۲-۲ مضاف با صدرنشین پر قدرت لیگ نخنگان را به پایان برسد، آن هم در شرایطی که عمده آمار این بازی به سود حریف عربستانی بود و این نشان از آن داشت که استقلال به خوبی توانسته از فرصت‌های پیش آمده برای کسب نتیجه استفاده کند. مسئله‌ای که رضایت موسیسمانه از شاگردانش را در پی داشت: «بازی با الاهلی، خصوصاً در ورزشگاه خانگی این تیم برای هیچ تیمی آسان نیست و این را خوب می‌دانستیم، اما تیم ما این اعتماد به نفس را داشت که بتواند در این بازی بزرگ پیروز میدان شود و با کسب هر سه امتیاز بازی شانس صعود را افزایش دهد. به همین دلیل هم بود که در جریان بازی دو مرتبه از حریف پیش افتادیم و الاهلی

ناچار شد مقابل هوادارانش به دنبال جبران مافات باشد و سعی در جبران گل‌های خورده کند. همین مسئله باعث شد از عملکرد شاگردانم رضایت کامل داشته باشیم.» سرمربی آفریقایی استقلال، اما برخلاف رضایتش از بازیکنان تیم از عملکرد تیم داوری به هیچ عنوان راضی نبود: «دوست ندارم درباره داوری این بازی حرف بزنم، اما باید حتماً فیلم بازی را دوباره چک کنیم. بازی در این ورزشگاه با یک بازیکن کمتر نسبت به حریف کار آسانی نیست. دو ضربه پنالتی به سود تیم میزبان از سوی داور بازی اعلام شد. آنها بازیکنان بزرگی در اختیار دارند و نیاز به پنالتی گرفتن ندارند. من به این دلیل ناراحتم که داور در لحظه اعلام پنالتی دوم، حتی به سراغ VAR نرفت که این لحظه را دوباره چک کند. صحنه پنالتی موقعیتی نیست که با چشم آن را قضاوت کنیم، داور باید به سراغ VAR می‌رفت تا دوباره آن را بررسی کند، اما این اتفاق نیفتاد و من از این بابت به شدت ناراحتم. داور چطور در زمان اخراج بازیکن ما به سراغ VAR رفت، اما در لحظه اعلام پنالتی دوم این اتفاق نیفتاد! دقیقاً VAR برای چه به فوتبال آمده است؛ به خاطر اینکه به ما در تصمیم‌گیری درست کمک کند، اما این اتفاق در بازی مقابل الاهلی برای استقلال رخ نداد و باید علت آن روشن شود.» تساوی برابر استقلال، اما برای الاهلی گران تمام شد، خصوصاً که این نتیجه با واکنش گسترده‌ای در رسانه‌های کشورهای عربی حاشیه خلیج همیشه فارس همراه بود و عمدتاً تساوی استقلال مقابل الاهلی را با عنوان‌هایی، چون فرار این تیم از باخت مقابل آبی‌پوشان ایرانی تحلیل و توصیف کرده بودند. تیمی که با یک‌دوجین ستاره‌های گران قیمت و صدرنشین در لیگ نخنگان تصور نمی‌کرد برابر استقلال بحران‌زده با تساوی متوقف شود، اما شد.